

اصول سیاست خارجی

از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

اصول حاکم بر سیاست خارجی کشورها در جهان فعلی منطبق بر اصول ملی‌گرایی کشورهاست و در تحقق این آرمان به حقوقی انسانی دیگر کشورها کم توجهی می‌شود و اقتضای منافع ملی بر دیگر موضوعات پیشی دارد. اسلام در اصل با این شیوه مخالف است و هرچند در حفظ منافع ملی می‌کوشد ولی حصول این هدف را به قیمت پایمال کردن و اضمحلال حقوق دیگر کشورها و مردم آنها نمی‌پذیرد. مصلحت اسلام و دولت اسلام منطبق بر مصلحت بشریت است و در سیاست خارجی خود نیز باید با توجه به این اصل ترتیبات لازم در برخورد و تعامل با دیگر کشورها را مهیا سازد. در این مقاله به اصول اساسی سیاست خارجی دولت اسلام می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی، حقوق بین‌الملل عمومی، عرفان، تصوف، حکمت

مقدمه

سیاست خارجی هر دولتی چگونگی نگرش و برخورد یک کشور را با دول دیگر مشخص می‌کند. در جهان امروز، اساس سیاست‌گذاری خارجی کشورها اقتضای منافع آنان است. در اسلام نگرش متفاوت از این است. هدف اسلام اعتلای بشریت است و نه اعتلای کشور اسلام به تنهایی. اساساً اسلام برای اقوام عرب یا فارس یا شرق وسطی نازل نشده است. اسلام آمده است تا همچون پدری تمام ابناء بشر را تحت رحمت خود قرار دهد. از طرف دیگر منافع ناشی از اعتلای بشریت آنقدر زیاد است که باعث انتفاع کشور اسلام نیز خواهد شد و این نفع بیش از منفعت زمانی است که سود کشور اسلام حداکثر شود. این دیدگاه بحث بسیار دقیق و مبتنی بر استدلال‌های ریاضی است که در اینجا به آن نمی‌پردازیم. به هر حال حداکثر کردن سود یک کشور به تنهایی کمتر از حداکثر کردن سود یک کشور ناشی از حداکثر کردن سود بشریت است. این مهم اشتباه اکثر قریب به اتفاق سیاستمداران عالم است که به دنبال منافع کشور یا حزب و گروه و دستۀ خود به تنهایی هستند. به هر حال، در این مقاله به مباحثی از اصول سیاست خارجی اسلام می‌پردازیم که در ارتباط با سایر مباحث تکمیلی روح نگرش اسلام را به ملل و دول دیگر قابل استنباط می‌نماید.

۳۹- اصل انطباق مصلحت اسلام بر مصلحت بشریت

بسیار دیده می‌شود که در مباحث سیاست خارجی اسلام، دولت اسلام را به مثابه دول متعارف در جهان تعریف

^۱ - Web: <http://www.bidabad.com> , Mail: bijan@bidabad.com , bidabad@yahoo.com

می‌نمایند که به نحوی درصدد حفظ منافع ملی خود است. دول متعارف جهان همواره سیاست‌های خارجی خود را به نحوی اتخاذ می‌کنند که در تقابل با منافع دول دیگر منافع ملی خود را حداکثر کنند. در اسلام ملیت و قومیت و به تبع منافع ملی و قومی به شکل متعارف آن تعریف نمی‌شود. اسلام به دنبال اتخاذ روشی است که مصالح و منافع بشریت را تأمین کند و همانطور که در جای خود ذکر می‌شود اسلام متعلق به بشریت است و نه حتی متعلق به مسلمین. اسلام نازل رحمت الهی بر زمین است که همه موجودات زمین و بالاخص ابناء بشر را در بر می‌گیرد.

بر این اساس مصلحت اسلام و دولت اسلام منطبق بر مصلحت بشریت است. استثناء این موضوع فقط هنگامی است که دول دیگر قصد به تجاوز به حریم اسلام و آن هم از طریق اقدام عملی به حرب داشته باشد. یعنی اگر اقدام به تجاوز نمود در این حالت مصلحت اسلام بر مصلحت انسانهای متجاوز دولت متجاوز تفوق می‌گیرد و اسلام به شدت با متجاوز برخورد خواهد کرد. حتی در این برخورد همانطور که در جای خود ذکر می‌شود با چنان شدتی است که اجازه فتنه به متجاوز ندهد. در غیر این مورد مصلحت دولت اسلام بر مصلحت جمیع آحاد بشریت منطبق است. چون اسلام برای بشریت نازل شده و در اسلام جمیع موجودات عالم با یک چشم دیده می‌شوند و آن منظر همه را مخلوق نازل کننده اسلام می‌بیند و تمام ابناء بشر مخلوق و محبوب و معشوق پروردگار یکتا هستند و اگر آنها در برداشتن قدم به تبعیت از خدا و رسول ص و صاحبان امر از میان خودشان همت نگماشته‌اند و مهجور هستند دلیل بر این نمی‌شود که تافته بدبافته‌ای هستند بلکه شاید مهجوریت ایشان دلیل متقنی بر این باشد که باید بیشتر تحت رأفت و عطف اسلام قرار گیرند. مثال این موضوع در این است که اگر فرزندی تبعیت از پدر ننماید زحمت پدر در حفظ و نگهداری و مراقبت از او بیشتر خواهد بود و این مراقبت از مهجورین در اسلام بر عهده خلیفه الله و بر عهده نبی ص یا ولی یا وصی ع خواهد بود که سمت ابوت بر خلق خدا دارند که فرمود: «من هر لحظه قرار دهنده یک خلیفه بر روی زمین هستم.»^۲ این آیه یک جمله اسمیه است و جاعل صفت مشبهه می‌باشد که هر دوی این نکات مفید به دوام و استمرار جعل خلیفه بر روی زمین دارند. و این خلیفه یا رسول یا اولوالامر است که خلافت کلیه زمین را برعهده دارد. این آیه خطاب به ملائکه در معرفی آدم ع به آنها است و در آن هنگام او تنها خلیفه الله در زمین قرار داده شد. اذن‌های صادره و منتشره از آدم ع به دیگران باعث ایجاد رشته‌هایی از اذن و صاحبان اجازه بر روی زمین گردید که خلفاء الهی در تمام زمین پراکنده هستند و برای هر قومی و امتی هادی و رسول قرار داد که فرمود: «برای هر قومی هادی هست»^۳ و «برای هر امتی رسولی هست»^۴ و افضل^۵ این خلائف در زمین و خاتم و زینت این خلائف رسول گرامی اسلام ص و جانشینان رشته اذن آن حضرت از آدم ع به خاتم ص و از خاتم ص به قائم حضرت صاحب العصر والزمان در هر زمانی حی و زنده و مستقر بر کرسی خلیفه الهی بوده و هستند و خواهند بود. و این خلافت نه قابل غصب است و نه قابل تغییر بلکه توسط خداوند و به دست صاحبان اذن او شکل می‌گیرد. در تفسیر آیه: «پس موسی غضبناک به سوی قومش بازگشت»^۶ می‌نویسند: «هر نبی پدر

۲ - سوره بقره آیه ۳۰، اِنِّي جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً.

۳ - سوره رعد آیه ۷، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.

۴ - سوره یونس آیه ۴۷، وَ لِكُلِّ اُمَّةٍ رَسُوْلٌ.

۵ - در سوره انعام، آیه ۱۶۵ خطاب به رسول اکرم ص است که می‌فرماید بگو (از آیه قبل) اوست خدایی که شما را خلیفگان زمین کرد و بعضی را بر بعض دیگر به درجاتی برتری داد. وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْاَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ.

۶ - سوره طه، آیه ۸۶. فَرَجَعَ مُوسَى اِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ اَسْفًا.

۷ - بیان السعاده فی مقامات العباد، جلد ۹، ص ۲۴۸.

مهربانی برای امتش می‌باشد و امت فرزندان عزیزی برای او هستند. ایمانشان به منزله صحت کامل آنان و نقصان ایمان آنها و بطلان آن به منزله مرض و هلاکتشان است. حال نبی در صحت و مرض و هلاکت امت خود، حال پدر مهربان نسبت به اولادش می‌باشد بلکه مهربانی و شفقت در نبی نسبت به امت به مراتب شدیدتر و زیادتر است.»

به هر حال این خلیفه که نماینده و حاکم و جانشین تکلیفی خداوند بر روی زمین است برای همه مردم جهان قرار داده شده. در سوره ص خطاب به داود ع است که می‌فرماید: «ای داود ما تو را خلیفه روی زمین قرار دادیم پس بین مردم به حق حکم کن».^۸ در این آیه دستوری که به داود ع داده می‌شود دستور حکم کردن است که هم به معنی حاکمیت و حکومت و هم به معنی حکمیت هر دو معنی دارد و ظرف آن ناس یا مردم قرار داده شده و به مسلمین یا پیروان داود ع تخصیص نیافته است. یعنی ای داود تو را حاکم بر مردم روی زمین قرار دادیم و مردم جهان تحت حکومت تو قرار دارند و در مورد آنها به حق حکومت کن و حکم کن و حکمیت کن. لذا با توجه به معنی این آیه که مردم جهان را تحت ابوت خلافت خلیفه الهی بر روی زمین قرار می‌دهد مصلحت مسلمین منطبق بر مصلحت ابناء بشر قرار می‌گیرد و به تبع اسلام نیز در همین رویه بایست سیاست خارجی خود را تنظیم نماید. این اصل از اصول مهم در سیاست خارجی اسلام تلقی می‌شود. بر این اساس مصلحت ابناء بشر مصلحت اسلام و مصلحت دولت اسلام است.

شاید معتقدین به سایر ادیان معترض باشند که این موضوع در همه ادیان نیز صادق است و تمام ادیان متعلق به بشریت می‌باشند و این موضوع منحصر به اسلام نیست. باید اذعان داشت که این موضوع کاملاً صحیح است که تمام ادیان حقه بدین منظور نازل شده‌اند و پیامبران نیز برای همین هدف مبعوث گشته‌اند. ولی در این ارتباط باید گفت که انبیاء یکی پس از دیگری اکمل از نبی سلف خود هستند. و باید این قاعده برقرار و استوار باشد، زیرا کون رو به ترقی و کمال است و هر پیامبری که مبعوث می‌گردد باید مطابق با زمان متکاملتر از پیامبر سابق خود باشد. از طرفی تمام انبیاء تربیت شده نبی یا ولی یا وصی قبل هستند و مربوط هم درجات رب و هم مراتب خود را توأم داراست که در قرآن کریم می‌فرماید: «هر آیه‌ای را منسوخ کنیم بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانی خدا بر هر کاری تواناست؟»^۹ بر این اساس است که شیعه معتقد به پیامبر آخرالزمان است.

استدلال فوق حاکی از این است که در هدف اصلی، تفاوتی میان پیامبران نیست ولی هر پیامبری با توجه به مراتب خود و شرایط زمان و مکان و استعداد انسان‌ها شریعتی را تقنین فرموده که مناسب عصر خود است. لذا تقنین موسی ع را عیسی ع امضاء فرمود و فرمود: «فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را منسوخ نمایم، نیامده‌ام تا منسوخ کنم بلکه آمده‌ام تا به کمال برسانم».^{۱۰} عیسی ع از تربیت شدگان پیامبرانی بود که خلف نبوت موسی ع بودند. حضرتش شریعت و طریقت و حقیقت موسوی را از یحیی ع و آن حضرت از ذکریا ع یداً به ید تا از موسی ع دریافت نمود. محمد ص نیز تحت تربیت آخرین پیامبران دین عیسی ع به این مقام رسید. حضرتش در تحت تربیت برده ع (ابوطالب ع) و او تحت تربیت عبدالمطلب ع و او تربیت شده هاشم ع و او تحت تربیت عبدمناف ع تا پطرس ع و او تربیت شده عیسی ع به این مقام رسید. پس اختلافی در ادیان نیست و همه برای کلمه واحدی مبعوث شدند که فرمود:

^۸ - سوره ص، آیه ۲۶، یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ.

^۹ - سوره بقره، آیه ۱۰۵، مَا نُنسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَمْ لَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

^{۱۰} - انجیل متی، فصل ۵، آیه ۱۷.

«به اهل کتاب بگو بیاید به سوی کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست.»^{۱۱} و ادیان در امتداد یکدیگرند و توقف بر دین سلف تعصّب است.

۴۰- اصل تعلق اسلام به بشریت

گروهی از علمای حقوق بر این باورند که مبنای حق منتج از قوانین فطری و طبیعی است که منبعث از قوانین حاکم بر طبیعت و هستی می‌باشد و لذا دیدگاه حقوق طبیعی بر این منوال شکل گرفته که منشاء این تفکرات در ادیان حقّه و کتب آسمانی قابل مشاهده می‌باشد. نضح و رشد این خط فکری در یونان باستان نیز به خوبی مشاهده می‌شود. بررسی این خط فکری و تطبیق آن با دستورات و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد که همواره پیامبران یکی پس از دیگری کاملتر، و لاحق از سابق اکمل بوده و با بررسی شرایط زمان و خصوصیات انسان‌ها در ظرف طبیعت و قوانین آن اقدام به تأسیس یا امضاء احکام و نضح شریعت نموده‌اند. یعنی احکام را بر وفق طبیعت و استعدادها تشریح فرموده‌اند. لذا بر این اساس است که احکام دین به دلیل انطباق آن بر طبیعت و ابتنای آن بر عقل مناسب حال همهٔ ابناء بشر است، بالاخص دینی که جامع شرایع باشد.

به دلیل فوق است که دین اسلام مختص به مسلمین نیست بلکه متعلق به همهٔ ابناء بشر است. دستورات اسلام نیز برای همهٔ کسانی است که مایل به تبعیت از اسلام و بهره‌مندی از دستورات آن باشند است. در سورهٔ سبا می‌فرماید: «و تو را به پیامبری نفرستادیم مگر برای جمیع مردم مژده دهنده و بیم دهنده و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند.»^{۱۲} در آیهٔ دیگر به رسول اکرم ص امر می‌شود که: «به مردم بگو که همانا من فرستادهٔ خدا به سوی جمیع شما می‌باشم.»^{۱۳} محصل این بحث این است که خوان نعمت اسلام گسترده است و منحصر به استفادهٔ مسلمین یا مؤمنین هم نیست بلکه دعوت عام برای استفاده از این نعمت گستردهٔ الهی است. با چنین نگرشی کلیهٔ ابناء بشر نزد اسلام گرامی هستند و علت و هدف ظهور اسلام همهٔ ابناء بشر است. لذا مسلمین حق ندارند خود را ارجح به دیگر اقوام و ملل بدانند و بر ایشان فخر فرورشد یا آنکه بخواهند دیگران را با تحت فشار قراردادن هدایت یا راهنمایی کنند. بواسطه همین اصل است که می‌فرماید: «همانا تو را نفرستادیم مگر برای رحمت برای جهانیان»^{۱۴} یعنی هدف از بعثت رسول اکرم ص رحمت برای جهانیان بوده و نه زحمت برای آنها.

۴۱- اصل کرامت انسانی

در قرآن کریم می‌فرماید: «همانا ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم»^{۱۵} وقتی خداوند متعال بنی آدم را گرامی دارد مسلماً همهٔ آحاد مسلمین نیز باید این کرامت را مرعی دارند و هیچکس محق نیست فرزندان آدم ع را خوار شمرد و یا به دیدهٔ حقارت به آنان بنگرد یا رفتار نماید. بر مبنای این اصل کلیهٔ آحاد افراد جوامع بشری گرامی هستند و حکومت

۱۱ - سورهٔ آل عمران آیهٔ ۶۴، قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ.

۱۲ - سورهٔ سبا، آیهٔ ۲۸، وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

۱۳ - سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۸. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا.

۱۴ - سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۱۰۷. وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.

۱۵ - سورهٔ اسراء، آیهٔ ۷۰. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ.

اسلامی موظف به ارج نهادن به بشریت فرداً و جمعاً است.^{۱۶}

بر اساس این اصل کلیهٔ ابنای بشر در عالم تحت هر وضعیتی و رنگ و نژاد و تابعیتی از لحاظ اسلام و دولت اسلام گرامی هستند و این اصل اجازه نمی‌دهد که به هر طریقی اقدامی صورت گیرد که بدون مجوز قانونی انسانی خوار یا تحقیر شود. در حال حاضر در رفتار رایج بین‌المللی دول معظم در ارتباطات خود با دول فقیر یا متخاصم تبعهٔ آنها را بسیار خوار شمرده و تحقیر می‌نمایند و یا به گونه‌های مختلف بیزاری می‌جویند. اینگونه اعمال در اتخاذ سیاست خارجی دولت اسلام مردود و ممنوع است. اگر مخاصمتی با دولت خارجی وجود دارد نباید آن را به افراد ملت که همان بنی آدم است تعمیم داد و به برخورد خصمانه با آنها پرداخت.

۴۲- اصل وحدت

برخلاف نظریات کوته‌فکرانی نظیر ماکیاوول^{۱۷} که شالودهٔ حکومت را بر مبنای تفرقه قرار می‌دهند، اصل وحدت از مسلم‌ترین اصول دینی تمام ادیان حقیقی الهی بوده و عنصر تشکیل دهندهٔ سیاست خارجی و دیپلماسی دینی و اسلامی می‌باشد. بر اساس این اصل کلیهٔ افراد بشر در حصن حصین کلمهٔ طیبه لا اله الا الله قرار دارند و همه با هم برادر و مستحق حقوق برادری و برابری‌اند. احراز این حقوق مبتنی بر دین و آئین و مسلک و عقاید افراد نیست و حکومت اسلامی موظف به اعطای حقوق مساوی به همهٔ افراد و گروهها با عقاید و مذاهب یا ادیان مختلف می‌باشد. استثناء در این اصل فقط در محدود کردن متجاوز در تجاوز به حقوق دیگران مصداق دارد.

قرآن کریم سوای آیات سورهٔ توبه و سورهٔ دیگر که دربارهٔ قتال با متجاوزین به حریم اسلام نازل شده است وظیفهٔ رسول اکرم ص و مسلمین را در برخورد با کفار غیرحربی، اکرام تعیین می‌نماید. در آیهٔ شریفه خطاب به رسول اکرم ص است که: «به اهل کتاب بگو بیائید به سوی کلمه‌ای که پذیرفته‌ام و شماست.»^{۱۸} یعنی به حضرتش امر شده که در لوی کلمه لا اله الا الله همه را به وحدت فرا خواند. بر طبق آیهٔ شریفه: «مردم یک امت واحد بودند پس خداوند پیامبران بشارت دهنده و ترساننده را فرستاد و با آنها کتاب به حق نازل کرد تا بر آنچه مردم در آن اختلاف کردند حکم کنند.»^{۱۹} یکی از اهداف بعثت انبیاء رفع اختلاف بین مردم است. به عبارت دیگر هدف بعثت انبیاء ایجاد وحدت بین مردم است و حتی نه وحدت بین گروندگان به دین. کلمهٔ ناس در آیهٔ فوق بدون هیچ تخصیصی شامل کلیهٔ ابناء بشر است و از لحاظ سیاست خارجی اسلامی به این معنی است که هرگونه اختلافی در بین جوامع بشری ناپسند است و هدف شارع بزرگ نیز رفع این اختلافات و ایجاد یک امت واحد است چه در اول این آیه فرموده که: مردم یک امت واحد بودند و انبیاء برای احیاء مجدّد این وحدت مبعوث شدند.

در پیام افتتاحیهٔ به کنفرانس صلح ادیان می‌فرمایند^{۲۰}: «... دین امری است که اعتقاد به آن را به زور و جبر نمی‌توان

^{۱۶} - نگاه کنید به: شرح مواد ۲۵-۲۲ اعلامیهٔ حقوق بشر، حضرت حاج سلطانشین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیهٔ حقوق بشر صص ۱۱۳-۱۰۸.

^{۱۷} - Niccolo Machiavelli (1469-1529) نویسندهٔ فلورانس در کتاب معروف خود The Prince روش حصول اهداف سیاسی را در بکارگیری خدعه و نیرنگ و ایجاد تفرقه معرفی می‌نماید.

^{۱۸} - سورهٔ آل عمران آیهٔ ۶۴، قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ.

^{۱۹} - سورهٔ بقره آیهٔ ۲۱۳، كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.

^{۲۰} - متن پیام افتتاحیهٔ حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه به کنفرانس صلح ادیان، بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی (Foundation for Religious Harmony and Universal Peace)، ۳۱-۲۹ فروردین ۱۳۸۴، (۲۰-۱۸ آپریل ۲۰۰۵)، هندوستان، دهلی نو.

تحمیل کرد. بلکه هر یک از ما به طور آگاهانه آن را انتخاب کرده‌ایم. ما که مسلمانیم اسلام را انتخاب کردیم و معتقدیم که اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین همه ادیان است. ولی نمی‌توان این اعتقاد را به اجبار به دیگری تحمیل کرد، زیرا دیگری هم باید تحقیق و جستجو بکند تا یقیناً به این نتیجه برسد. بنابراین مادامی که پیروان ادیان به یک نتیجه واحد نرسیده‌اند، باید برای استقرار صلح جهانی، به همه این ادیان احترام گذارد و به آنها اهمیت داد و امکاناتی را برای آنان فراهم کرد که بتوانند جستجوی خودشان را ادامه بدهند تا در راه وحدت ادیان موفق بشوند...»

در نحوه رفتار با دشمنان سابق می‌فرماید: «شاید خدا میان شما و کسانی که با آنها دشمنی می‌ورزید دوستی پدید آورد. خدا قادر است و خدا آمرزنده مهربان است. خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین جنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد. جز این نیست که خدا از دوستی کردن با کسانی که با شما در دین جنگیده‌اند و از سرزمین خود بیرونتان رانده‌اند یا در بیرون راندنتان همدستی کرده‌اند شما را باز دارد و هر که با آنان دوستی ورزد از ستمکاران خواهد بود.»^{۲۱}

رسول گرامی ص در خطبه‌ی وداعی می‌فرماید: «ای مردم، بدانید که همانا پروردگار شما یکی است و همانا پدر شما یکی است، بدانید که نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه برتری و فضیلت ندارد مگر به تقوا.»^{۲۲} اصل وحدت نیز از این آیه به وضوح مشهود است: «ای مردم بترسید از پروردگارتان آن که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد و بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید و زنهار از خویشاوندان مبرید هر آینه خدا مراقب شماست.»^{۲۳} از قسمت اول آیه استنباط می‌شود که تمام خلق خدا به دلیل وحدت پدر آنها همه خویشاوندند و در قسمت دوم آیه مبریدن از ارحام و خویشاوندان را تأکید می‌نماید که براساس قسمت اول آیه کلیه افراد روی زمین از گذشته و حال تا آینده خویشاوند می‌باشند. به عبارت دیگر این آیه تأکید بر اصل وحدت کلیه انسانها در کلیه امکان و ازمنه دارد. و در آیه دیگر خطاب به همه اهل زمین می‌فرماید: «و همگان به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و از نعمتی که خداوند بر شما ارزانی داشته است یاد کنید. آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید پس خدا شما را از آن برهانید.»^{۲۴} در آیات بعدی در همین سوره با نهی تفرقه می‌فرماید: «همانند آن کسان مباشید که پس از آنکه آیات روشن خدا بر آنها آشکار شد، پراکنده گشتند و با یکدیگر اختلاف ورزیدند.»^{۲۵} و در سوره انعام می‌فرماید: «تو را با آنها که دین خویش فرقه فرقه کردند و دسته دسته شدند کاری نیست

صلح ادیان، عرفان ایران، مجموعه مقالات، گردآوری و تدوین دکتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۲۲، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۴، صص ۹-۵.
۲۱ - سوره ممتحنه، آیات ۹-۷، عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

۲۲ - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، جلد ۱۸، ص ۳۳۴. معدن الجواهر، ۲۱، باب ما جاء فی واحد... ص: ۲۱.

۲۳ - سوره نساء آیه ۱، يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.

۲۴ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا.

۲۵ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۵ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ.

کار آنها با خداست و خدا آنان را به کارهایی که می‌کردند آگاه می‌سازد.^{۲۶}

در سوره انفال می‌فرماید: «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برمیخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت از شما برود. صبر پیشه کنید که خدا همراه صابران است.»^{۲۷} تفسیر این آیه در سطح بین‌المللی به این مفهوم است که نزاع بین ملل باعث می‌شود که امکانات و منابع کشورها از بین برود و بشریت ناتوان شود که به زیان همه است. در صورتی که وحدت از لحاظ تخصیص بهینه منابع از بُعد اقتصادی باعث افزایش رفاه اجتماعی در میان کلیه اقوام و ملل خواهد شد بلکه اینرسی اضافه از این وحدت باعث بازدهی بیشتر از حد قبل به معنی استفاده از اقتصاد مقیاس^{۲۸} نیز خواهد گردید که از هر جهت به نفع عموم افراد جهان و بشریت است. این اینرسی را اقوام و ملل درک نمی‌کنند و نمی‌دانند که وحدت اقوام و حذف نزاع باعث اعتلای همگی آنها شده و به اوام خود دلخوشند و بشارت و انداز رسول خدا ص را در نمی‌یابند که «از کسانی نباشید که دین خود را فرقه فرقه کردند و فرقه فرقه شدند و هر فرقه‌ای به هر چه داشت دلخوش بود.»^{۲۹}

۴۳- اصل عدم تبعیض نژادی

اصل عدم تبعیض نژادی را می‌توان از اصول دیگر استنباط نمود ولی به دلیل اهمیت آن مجدداً آن را تحت این نام ذکر می‌کنیم. در آیه شریفه سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را شعب و قبائل کردیم تا بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.»^{۳۰} از این آیه معلوم می‌شود که شعب و قبائل که اساس نژادها و تفاوت آنها هستند سبب تفضّل و برتری نژادی نمی‌گردند و تنها تقوی است که باعث کرامت و بزرگی انسان نزد خداوند خواهد بود. رسول اکرم ص می‌فرماید: «ای مردم ربّ شما واحد است و پدر همه شما آدم است و آدم از خاک است و گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست و عرب بر عجم برتری ندارد مگر به تقوا».^{۳۱}

ترتیباتی که این اصل در سیاست خارجی دولت اسلام مطرح می‌نماید این است که هیچگونه امتیاز یا محدودیتی را نباید برای نژادهای مختلف در نظر بگیرد. از جمله موارد قابل اشاره در این اصل گزینش‌ها و تنظیم سهمیه‌هایی است که دولتها در مهاجرت افراد متعلق به نژادهای مختلف در نظر می‌گیرند. این تبعیضات بعضاً با این هدف صورت می‌گیرد که اختلاط نژادی ناشی از مهاجرت نژادهای مختلف سبب تغییر اصالت نژاد کشور مهاجرپذیر نشود. این سهمیه‌بندی و سایر امتیازات مشابه یا مضایق از این دست در سیاست خارجی دولت اسلام ممنوع است.

۴۴- اصل بیزاری از مشرکین

شاخص کرامت انسانی در اسلام تقوا است و بر این اساس است که می‌فرماید: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند

^{۲۶} - سوره انعام، آیه ۱۵۹ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنْما أَمَرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَتَّبِعُهُمُ بَما كَانُوا يَفْعَلُونَ.

^{۲۷} - سوره انفال، آیه ۴۶. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْلكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.

^{۲۸} - Economies of scale.

^{۲۹} - سوره روم، آیه ۳۲، مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ.

^{۳۰} - سوره حجرات، آیه ۱۳. يا أَيُّها النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ.

^{۳۱} - بحار الأنوار، ۷۳، ۳۴۸، باب ۶۷- جوامع مناهي النبي ص و متفرق ۱۳- ف، [تحف العقول]

پرهیزگارتین شماسست.»^{۳۲} شاید علت این موضوع که تقوا مبنای کرامت انسانی است به این دلیل است که علم و ادارک انسانی بر اثر تقوا ایجاد می‌شود. یعنی انسانیت و فضیلت انسان همان علمی است که از تقوا ناشی می‌گردد. در قرآن کریم می‌فرماید: «تقوا پیش گیرید تا خداوند به شما علم بیاموزد.»^{۳۳}

لذا از این لحاظ است که فضیلت و برتری انسانی در رجحان بین انسانها نزد خداوند با میزان (ترازوی) تقوا مشخص می‌شود زیرا آنکه تقوایش بیشتر است علمش بیشتر است - و ای بسا غیرمسلمی که به دلیل تقوا مسلم واقعی باشد و مسلمی که به علت عدم تقوا مسلمان نباشد. از سوی دیگر تقوا حاصل نمی‌شود مگر به تفکر درباره آفاق و انفس. وقتی اندیشه انسان دریافت که این نظم هستی بی‌سبب نیست و هر چیزی برجای خود استوار و تابع قانونی است لذا از عمل خود هراسان می‌شود و به تعدیل و اصلاح آن می‌پردازد لذا تقوا حاصل می‌نماید. بر این اساس است که تفکر و تقوا و علم هر سه ملازم یکدیگرند و ادیان برای تنویر افکار نازل شده‌اند و تلاش انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی همگی در جهت تنویر افکار بوده و هست.

برخی گمان می‌کنند که وضع این تمایز در ارتباط با مشرکین نوعی ظلم یا پست شمردن غیرمسلمین است. در این ارتباط باید گفت که موضوع عکس این استنباط است زیرا هر کس با گفتن لا اله الا الله حتی به دروغ وارد اسلام می‌شود از جمیع حقوق مسلمین در جامعه اسلامی برخوردار خواهد شد. سخت‌گیری‌های وضع شده در مورد برخی از احکام درباره حدود و دیات برای مشرکین در این جهت است که بت‌پرستان را به فکر انداخته تا لااقل از توجه و علاقه آنها به مادیات و ترس از حدود و دیات آنها را ترغیب کند که از کوته فکری خود که مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا فلز و جواهر می‌سازند و می‌گویند این خدای ماست دوری جویند و در کتاب خلقت و خالق آن تفکر نمایند و از این طریق انگیزه جدیدی برای تفکر در مورد این جهان در آنها ایجاد نماید. شاید این روش بهترین روشی باشد که انسانهای متحجر را به سمت تفکر بکشاند در غیر این صورت جمود فکری بر آنها غالب خواهد ماند. لذا اسلام از یک سو با مقابله و تهدید، این نوع جمود فکری را در مخاطره قرار می‌دهد و از طرف دیگر با باز نمودن درب اسلام با شرط ساده اقرار به کلمه توحید - حتی به دروغ - مشرکین را به قبول حقیقت واحد دعوت می‌نماید. این روش یعنی استعمال توأم دافعه برای تهدید و جاذبه برای تشویق به این معنی است که فرد را مابین دو قوه فشاردهنده و کشنده قرار داده تا زودتر به سمت فلاح حرکت نماید. این شیوه از مناسب‌ترین روش‌های تربیتی است که مد نظر شارع مقدس قرار گرفته است.^{۳۴}

شدت عمل و بیزاری از مشرکین و تهدید آنها تا اینکه از عقیده ناروا و متحجر خود دست بردارند در آیات اول سوره توبه مشخص است. تندی کلمات و آیات در این باره از یک سوء به شدت تهدید است و از یک سوء مبین رجاء است و از لحاظ روانشناسی تربیتی این برخورد از روشهای مهم در تغییر فکر و رفتار بزهکاران تلقی می‌شود. و تا شدت عمل به خرج داده نشود فرد بزهکار به تفکر نمی‌پردازد و تغییر رویه نمی‌دهد و اساس اسلام بر تفکر واقع شده و تمام قرآن کریم انسان‌ها را به تفکر دعوت می‌نماید که از ابتدا دستور به قرائت اسم می‌نماید که این قرائت جز تفکر نیست و اسم نیز هر چیزی است که دلالت بر مسمای خود یعنی ذات خداوند دارد لذا مکرر آیه شریفه بسم الله الرحمن

۳۲ - سوره حجرات آیه ۱۳. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

۳۳ - سوره بقره، آیه ۲۸۲، وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ.

۳۴ - در این ارتباط در شرح ماده اول اعلامیه حقوق بشر توضیحات مفصلی داده‌اند. حضرت حاج سلطانحسین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، صص ۴۴ - ۳۸.

الرحیم بر این اساس است که باید از طریق تفکر به اسم و استعانت به اسم اعظم که همان انسان کامل و خلیفه خدا در روی زمین است مراتب انسانیت را پیمود. به هر حال در سوره توبه^{۳۵} از این باب است که می‌فرماید: «خدا و پیامبرش از مشرکانی که با آنها پیمان بسته‌اید بیزارند. پس چهار ماه به شما^{۳۷} مهلت داده شد که در این سرزمین سیر کنید، و بدانید که از خدا نتوانید گریخت، و اوست که کافران را رسوا می‌سازد. در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می‌شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند. پس اگر توبه کنید برایتان بهتر است، ولی اگر سرپیچی کنید بدانید که از خدا نتوانید گریخت. و کافران را به عذابی دردآور بشارت ده. مگر آن گروه از مشرکان که پیمان بسته‌اند پس چیزی (از پیمان شما را) نقص نکرده‌اند و با هیچکس بر ضد شما همدست نشده‌اند. با اینان به پیمان خویش تا پایان مدتش وفا کنید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست دارد. و چون ماههای حرام^{۳۸} به پایان رسید، هر جا که مشرکان را یافتید بکشید و بگیرید و به حبس افکنید و در همه جا به کمینشان نشینید. اما اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، از آنها دست بردارید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهنش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس به مکان امنش برسان، زیرا اینان مردمی نادانند. چگونه مشرکان را با خدا و پیامبر او پیمانی باشد؟ مگر آنهایی که نزد مسجد الحرام با ایشان پیمان بستید. اگر بر سر پیمانشان ایستادند، بر سر پیمانتان بایستید. خدا پرهیزگاران را دوست دارد. چگونه پیمانی باشد که اگر بر شما پیروز شوند به هیچ عهد و سوگند و خویشاوندی وفا نکنند؟ به زبان خشودتان می‌سازند و در دل سر می‌پیچند و بیشترین عصیان‌گرانند.»

۴۵- اصل انترناسیونالیسم اسلامی در مقابل ناسیونالیسم دولت‌ها

ناسیونالیسم از مفاهیمی برای تقویت وحدت ملی و فرهنگی و هویت‌های تاریخی ملل بشمار می‌آید^{۳۹} و این تفکر آنقدر متداول است که همه ملل عالم آن را بدیهی می‌دانند.^{۴۰} ناسیونالیسم از بُعد سیاسی ظرفی برای اعمال حکومت‌ها در جهان گردیده است و در حکومت‌های اوتاریتری و توتالیتری، ناسیونالیسم‌های سیاسی حتی باعث شده که حکومت‌ها نه تنها خود را بر همسایگان بلکه بر ملت خود نیز تحمیل کنند. طبیعتاً اسلام با رقیق کردن ناسیونالیسم و تفاوت‌های نژادی، قومی و فرهنگی و متمایل ساختن آنها به اصول تساوی و برابری سعی بر حذف خرافات ناشی از تفاوت قومیت‌ها و نژادها و گروه‌ها و قبائل دارد. قرآن کریم همه را برادر و برابر می‌خواند و می‌فرماید: «ما همه شما مردم را از یک زن و

^{۳۵} - این سوره را براءت هم می‌گویند. براءت به معنی بیزاری است که در نخستین آیه آن آمده است.

^{۳۶} - سوره توبه، آیات ۸-۱، براءة من الله و رسوله إلى الذين عاهدتم من المشركين. فسبحوا في الأرض أربعة أشهر و اعلموا أنكم غير معجزی الله و أن الله محزى الكافرين. و أذان من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله يرى من المشركين و رسوله فإن تبتم فهو خير لكم و إن توليتهم فاعلموا أنكم غير معجزی الله و بشر الذين كفروا بعباد أليم. إلا الذين عاهدتم من المشركين ثم لم ينقضوكم شيئاً و لم يظاهروا عليكم أحداً فأتموا إليهم عهدهم إن الله يحب المتقين. فإذا انسלخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقتلوا لهم كل مرصد فإن تابوا و أقاموا الصلاة و اتوا الزكاة فخلوا سبيلهم إن الله غفور رحيم. و إن أحد من المشركين استجارك فآجره حتى يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون. كيف يكون للمشركين عهد عند الله و عند رسوله إلا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم إن الله يحب المتقين. كيف و إن يظاهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلا و لا دمة يرضونكم بأفواههم و تأتي قلوبهم و أكثرهم فاسقون.

^{۳۷} - خطاب به مشرکین است که نقض عهد کرده بودند.

^{۳۸} - رجب، ذی‌القعده، ذی‌الحجه و محرم. اینجا مراد همان چهار ماه است که به مشرکان مهلت داده شده است.

^{۳۹} - نگاه کنید به: سریع‌القدم، محمود (۱۳۷۱) توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، نشر سفید چاپ دوم، ص ۱۵.

^{۴۰} - نگاه کنید به مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰) سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران نشر مفهوس، ص ۵۶.

مرد آفریدیم و در شعبه‌ها و قبائل مختلف قرار دادیم ولی این استقرار سبب برتری و امتیاز شما از یکدیگر نیست بلکه عاملی برای تفکر و شناخت شما قرار داده شده و ممتاز شما متقی‌ترین شماست.^{۴۱} و چون همه برادر یکدیگرند مرزهای موهومی که دولت‌ها برای حفظ منافع خود و برتری جوئی بر دیگری می‌کشند بی‌ارزش و سد راه اخوت انسانی است. بی‌مورد نیست که اگر بگوئیم تقویت توهم روحیه‌های ناسیونالیستی، ترفند دولت‌ها برای تداوم و ادامه حکومت بر ملت‌هاست. سرودهای ملی، مارش‌های نظامی، افتخارات ملی، برتری‌های تاریخی، تمایزات قومی، تعالی‌های فرهنگی و دیگر موارد مشابه همه و همه می‌توانند به عنوان شیوه‌هایی برای تحمیل ملت‌ها توسط دولت‌ها تلقی شوند که توهم تفاوت بین ملت خود با سایر ملل را تقویت کنند تا بتوانند از این طریق بیشتر و بهتر حکمرانی نمایند. و گرنه چه تفاوت می‌کند که فردی در این سوی مرز به دنیا آید ملیت کشور اول را بگیرد و چند متری آن طرف‌تر در آن سوی مرز توگد یابد ملیت کشور دیگر را داشته باشد بعد در جنگ با کشور همسایه شرکت کند و در کشتن برادر خود از کشور مقابل اقدام کند. همه و همه به دلیل اینکه محلّ زایمان مادرش چند متر این طرف‌تر واقع شده است! اسلام و همه ادیان برای این نازل شدند تا خرافات را در بین مردم از بین ببرند.^{۴۲} موهوماتی که باعث کشیدن مرزهای سیاسی و اختلافات ملی و قومی شده از انواع این خرافات است. مک آیور در کتاب معروف جامعه و حکومت^{۴۳} پس از شرح مفصّلی درباره اینکه هیچ فردی از دیگری قوی‌تر نیست به این موضوع می‌پردازد که مبنای اقتدار دولتمردان ایجاد تفاوت‌ها و تمایزات قومی و بین قومی در میان ملت خود با دیگران و در میان خود با ملت خود توسط آداب و رسوم و تشریفات و غیره می‌باشد تا از این طریق فاصله ایجاد نموده تا حکومت نمایند.

اسلام این برتری‌جویی و سلطه‌جویی را صحیح نمی‌داند. در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم ص است که: «تو حق سلطه‌جویی بر مردم نداری»^{۴۴} و انترناسیونالیسم اسلامی نیز نه برای استیلاء و سلطه بر خلق خداست که سلطه و استیلاء و ریاست بر خلق خدا از جمله بی‌ارزش‌ترین بلکه متعفن‌ترین چیزها در اسلام است ولی فقط برای اعتلای انسانیت و بشریت برای اسلام کاربرد دارد و تحمّل مصائب کشاندن بار حکومت نه از باب شوق به حکومت بلکه از باب امر است که فرمود: «پس آنطور که به تو دستور داده شده همراه با کسانی که تبعیت تو می‌کنند استقامت کن و طغیان مکنید (یعنی خسته نشوید و رها کنید)»^{۴۵} که رسول اکرم ص بارها فرمود که این امر در سوره هود کمر مرا خم کرد.^{۴۶}

۴۶- اصل ممنوعیت تفاخر و برتری‌جویی ملی

یکی از مباحث مهم و رایج در بین ملل مختلف عالم مسئله فرهنگی - سیاسی تفاخر ملی و برتری‌جویی است. بررسی رفتار اجتماعی و سیاسی کشورها نشان می‌دهد که این تفاخر در اشکال متنوع در ملل مختلف دیده می‌شود و با افزایش قدرت اقتصادی و غلبه و سلطه بر کشورهای کوچک‌تر همواره رو به افزون نیز هست. این تفاخر ملی و ملیت

۴۱ - سوره حجرات آیه ۱۳. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

۴۲ - همچنین نگاه کنید به مقاله حضرت دکتر حاج نورعلی تابنده (۱۳۷۹) تحت عنوان ایران فرهنگی، ایران سیاسی، مجله عرفان ایران شماره ۳ صص ۱۴ - ۸ انتشارات حقیقت، تهران.

۴۳ - ر.م. مک آیور (۱۳۴۹)، جامعه و حکومت، The web of government. ترجمه ابراهیم علی کنی. چاپ دوم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴۴ - سوره غاشیه، آیه ۲۲، لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ.

۴۵ - سوره هود، آیه ۱۱۲ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا.

۴۶ - سوره شوری، آیه ۱۵: برای آن دعوت کن واستقامت کن چنانکه به تو امر شد. فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ.

خود را افضل از سایر ملل دانستن تا آنجا مضر است که جنگ‌های جهانی اول و دوم را منشعب از این برتری جویی ملی- قومی دانستند که متحدین و در رأس آنها آلمان باستناد به برتری قومی نژاد آریایی ژرمن اقدام به تعدی به عالم نمود. باقی جنگ‌های ائتلاف افتاده در سیاره زمین کم و بیش به نحوی از انحاء منبعث از همین نوع تفاخرات و برتری طلبی‌ها بوده است.

توهم برتری از بی‌خبری و جهل است. زیرا اگر نیک بنگریم همه ما مصنوع یک خالق هستیم و هیچکدام بر دیگری برتری نداریم و همه با هم برادریم و شعبه و قبیله و کشور و ملیت و سایر ویژگی‌ها دلیل برتری و فخر فروشی بر دیگری نیست، چه که همه در نزد او یکسانیم و اکرم انسانها نزد خداوند پرهیزگارترین آنهاست.^{۴۷} قرآن کریم می‌فرماید: «خدای را بپرستید و هیچ چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید. هر آینه خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد.»^{۴۸} در تفسیر واژه فخور در این آیه چنین آورده شده است که: «یعنی کسی که هرگاه به غیر خودش توجه کند، خودش را بزرگ و غیر خودش را حقیر می‌شمارد.»^{۴۹} تعمیم این آیه شریفه به ملل دیگر از دیدگاه حکمت بدون اشکال است و می‌توان مفاد آن را برای رفتار با سایر ملل به عنوان اصلی در روابط بین‌الملل قبول نمود.

استکبار و خودستایی از معاصی زشت و نکوهیده است که به انحاء مختلف در جای جای قرآن کریم به تصریح درباره آن آیاتی نازل شده است. و این استکبار با مظهر زشت خودرایی ابلیس و برتری‌جویی نسبت به آدم ع و عدم اطاعت امر الهی معرفی می‌شود. در مراتب مختلف استکبار به معنی خود را برتر از خلق خدا دانستن است و این نیز در قرآن نکوهش می‌شود. می‌فرماید: «روزی که کافران را بر آتش عرضه دارند، در زندگی دنیا از چیزهای پاکیزه و خوش بهره‌مند شدید، امروز به عذاب خواری پاداشتان می‌دهند و این بدان سبب است که در زمین به غیر حق استکبار کردید و فسق پیش گرفته بودید.»^{۵۰} در این آیه از واژه زمین استفاده شده و تخصیصی از بابت کشور یا منطقه خاص نخورده است و سراسر مردم زمین با یک چشم نگریده شده‌اند. و در سوره مؤمن می‌فرماید: «این بدان سبب است که به ناحق در زمین شادمانی می‌کردید و به ناز و تفاخر راه می‌رفتید. از درهای جهنم داخل شوید و در آنجا بمانید و جایگاه تکبرکنندگان چه بد جایگاهی است.»^{۵۱} قرآن استکبار، خودستایی و تکبر را منتسب به کسانی می‌نماید که به آخرت ایمان ندارند. می‌فرماید: «و آنان که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان انکار کند و آنها مستکبرند. به راستی که خدا می‌داند چه در دل

۴۷ - سوره حجرات آیه ۱۳. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

۴۸ - سوره نساء آیه ۳۶، وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا.

۴۹ - بیان السعاده فی مقامات العباد، جلد چهارم، ترجمه ص ۶۶.

۵۰ - سوره احقاف، آیه ۲۰، وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَّذِينَ أُذْهِبَتْ طَبِيبَاتُكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ.

۵۱ - سوره غافر (مؤمن)، آیات ۷۶ - ۷۵، ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ. اذْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ. در سوره زمر آیه ۷۲ می‌فرماید: گفته شود از درهای جهنم داخل شوید و در آنجا بمانید. جایگاه متکبران چه بد جایگاهی است. قِيلَ اذْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ. و در آیه ۶۰ همین سوره می‌فرماید: آیا متکبران را در جهنم جایگاهی نیست، اَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ. در سوره نحل آیه ۲۹ می‌فرماید: پس از درهای جهنم داخل شوید و بمانید که بد جایگاهی است جایگاه متکبران، فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ.

پنهان دارند و چه چیز آشکار می‌سازند و او مستکبران را دوست ندارد.^{۵۲} و می‌فرماید: «خدا هیچ متکبر خودستاینده‌ای را دوست ندارد.»^{۵۳} و نصیحت لقمان به فرزندش در قرآن کریم است که می‌فرماید: «به تکبر از مردم روی مگردان و به خود پسندی بر زمین راه مرو، زیرا خدا هیچ به ناز خرامنده فخرروشی را دوست ندارد.»^{۵۴} و در سوره اسراء می‌فرماید: «به خودپسندی بر زمین راه مرو، که زمین را نخواهی شکافت و به بلندی کوهها نخواهی رسید، این کارها ناپسند است و پروردگار تو آنها را ناخوش دارد.»^{۵۵} و بالعکس می‌فرماید: «بندگان رحمان کسانی هستند که در روی زمین به فروتنی راه می‌روند و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند.»^{۵۶} و می‌فرماید: این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته‌ایم که در زمین نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.»^{۵۷} و باز می‌فرماید: «و تواضع کنندگان را بشارت ده»^{۵۸} غالب آیات فوق همانطور که مشاهده شد به واژه ارض یا زمین اشاره نموده‌اند و لذا براساس توضیحاتی که داده شد دستور عملی امت و دولت اسلام در حفظ شؤون برابری و برادری در روابط با ملل عالم است. در سوره فاطر خطاب به مردم بدون هیچگونه تخصیصی می‌فرماید: «ای مردم شما درویشان خدائید و خدا غنی و حمید است.»^{۵۹} یعنی تمام مردم این سیاره همگی بدانید که در درگاه خداوند درویش هستید و خداوند بی‌نیاز است و قابل حمد و ستایش و شما این قابلیت حمد و ستایش را ندارید یعنی تفاخر نورزید و همه چون درویشید چه جای تفاخر و تحمید و برتری جویی.

۴۷- اصل همزیستی مسالمت آمیز

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از اصول بسیار مهم در روابط اسلام و مسلمین با دیگران می‌باشد. این اصل کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده و سپس همسایگان و نهایتاً همسایگان خارجی و پس از آن کلیه کشورهای عالم را شامل می‌شود. قریب به اتفاق کلیه دستوراتی که در فقه اسلام نسبت به همسایه مطرح است قابل تعمیم به روابط بین‌الملل می‌باشد. در سوره نساء می‌فرماید: «با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه بیگانه و دوستان نزدیک و واماندگان در راه و زیردستان خود نیکی کنید که هر آینه خداوند متکبران و فخر فروشان را دوست نمی‌دارد.»^{۶۰}

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها مبنای «روابطی» گسترش اسلام است به عبارت دیگر این اصل

^{۵۲} - سوره نحل، آیات ۲۳-۲۲، فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ. لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ.

^{۵۳} - سوره حدید، آیه ۲۳، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. و آیه ۳۶ سوره نساء.

^{۵۴} - سوره لقمان، آیه ۱۸، وَلَا تَصْعَقْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

^{۵۵} - سوره اسراء، آیات ۳۸-۳۷، وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّكَ لَنْ تُخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا. كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا.

^{۵۶} - سوره فرقان، آیه ۶۳، وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.

^{۵۷} - سوره قصص، آیه ۸۳، تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

^{۵۸} - سوره حج، آیه ۳۴. وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ.

^{۵۹} - سوره فاطر، آیه ۱۵، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

^{۶۰} - سوره نساء آیه ۳۶، وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِالذِّقْرِ وَالْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا.

بستر ساز گسترش‌های بعدی اسلام می‌باشد زیرا باید زمینه لازم برای معاشرت ملل با یکدیگر فراهم آید تا پس از آن اقوام و ملل جهان به محاسن دستورات اسلام پی‌برند و قلباً اسلام آورند. برخی گمان کرده‌اند که اسلام دین جنگ و حمله و تجاوز است^{۶۱} در صورتی که چنین چیزی نیست. در برهه‌هایی از تاریخ بالاخص در زمان رسول اکرم ص که عملاً دوران تحقق اسلام بوده است^{۶۲} جنگ‌ها با هدف احقاق و بازستانی حق و دفاع بوده است و نه تجاوز به حق دیگران. از این دیدگاه یعنی بسترگشایی برای گسترش اسلام این آیه مصداق می‌یابد که خطاب به پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «آیا این تویی که از مردم می‌خواهی تا با کراهت ایمان آورند؟»^{۶۳}

در این آیه: «امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان برقرار گرداند»^{۶۴} مفهوم اصل همزیستی مسالمت‌آمیز به نحو حتی آرمانی درج است و این معنی از آن قابل استنباط است که تلاش مسلمین نیز باید در رفع موانع دوستی میان خود و دشمنان خود باشد.

۴۸- اصل دوستی با ملل و اقوام

دین بر دوستی استوار است که فرمود: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»^{۶۵} و دوستی مراتب مختلف دارد و در هر زمینه‌ای نمود خاص خود را می‌یابد. دوستی مؤمنین با اقوام و گروه‌های مختلف پس از عشق به خدا و نبی و ولی و وصی ع به ترتیب اهمیت زیر می‌باشد:

- ۱- مؤمنین (آنان که بیعت عام و خاص نموده‌اند چه در رشته رسول اکرم ص و چه در رشته‌های متصل سایر ادیان الهی).
- ۲- مسلمین (آنان که بیعت عام نموده‌اند).
- ۳- مسلمین وارد در نحلّه اسلام (آنان که بدون بیعت در اجتماع مسلمین نام مسلم بر خود دارند یا به سبب اسلام والدین یا اجتماع در نحلّه اسلام قرار گرفته‌اند).
- ۴- اهل کتاب (یهود و نصاری و صابئین و مجوس و باقی رشته‌های ادیان حقه).
- ۵- اهل کتاب استهزا کننده.

۶۱- نگاه کنید به خدوری، مجید (۱۳۳۵) جنگ و صلح در اسلام، ترجمه سعیدی، تهران، انتشارات اقبال. همچنین منتسکیو در روح القوانین ترجمه علی اکبر مشهدی، صص ۱-۶۷۰، ۱۳۲۴، تهران، در مقایسه دین اسلام و مسیحیت بر این باور بوده که دیانت اسلام به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده و چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده باعث سختی و شدت شده است و اخلاق و روحیات را تند می‌کند. این شبهه غالباً از تعمیم اسلام به دوران خلفای ثلاث و خلفای جور نتیجه‌گیری می‌شود. در صورتی که این قیاس مع الفارق است.

۶۲- و نه ازمنه دیگر که سرزمین مسلمین تحت امر خلفای منتخب از جانب مردم یا خلفای جور بوده است. این حکومت‌ها در طبقه‌بندی حکومت اسلامی نمی‌گنجد. به عبارت دیگر ممکن است حاکمیت و ملت در یک سرزمین مسلمان باشند و قواعد و احکام اسلامی را نیز معجزی دارند ولی حکومت اسلامی نیست. همینطور ممکن است حاکمیت و ملت و قوانین در سرزمینی مسیحی یا یهودی باشند ولی حکومت مسیحی یا یهودی نخواهد بود. وقتی به معنای واقعی حکومتی دینی وجود خواهد داشت که خلیفه خدا در رأس آن حکومت باشد و اولی الامر یعنی کسی که از جانب خدا مشخص شده حکومت را به عهده گیرد.

۶۳- سوره یونس، آیه ۹۹، أ فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ.

۶۴- سوره ممتحنه، آیه ۷، عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً.

۶۵- الکافی، ۷۹، ۸، وصیة النبي صلى الله عليه و آله لأمي، ۳۵.

۶- مشرکین (آنان که با پروردگار عالم دیگران اعم از اشیاء یا انسانها یا حیوانات را نیز به ربوبیت می پرستند).

۷- کفار (آنان که پروردگار عالم را قبول ندارند).

در سوره مائده می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اهل کتاب را که دین شما را به مسخره و بازی می گیرند و نیز کافران را به دوستی برمگزینید و از خدا بترسید اگر مؤمن هستید و چون بانگ نماز کنید آن را به مسخره و بازیچه گیرند زیرا مردمی هستند که نمی اندیشند».^{۶۶} این آیه در مورد یهود و نصاری است که در آیات قبل به آنها اشاره می شود، می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصارا را به دوستی برمگزینید. آنان خود دوستان یکدیگرند و هر کس از شما که ایشان را به دوستی برگزیند در زمره آنهاست و خدا قوم ستمکاران را هدایت نمی کند».^{۶۷}

به هرحال اگر صحبت از عدم دوستی با اهل کتاب آمد این عدم دوستی نسبت به گروهی از ایشان است که برخورد استهزایی یا منافقانه با مسلمین دارند و گرنه در سوره آل عمران می فرماید: «اهل کتاب همه یکسان نیستند. گروهی به طاعت خدا ایستاده‌اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می کنند و سجده به جای می آورند و به خدا و روز آخر ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای نیک شتاب می ورزند و از جمله صالحانند».^{۶۸} و در همین سوره می فرماید: «بعضی از اهل کتاب به خدا و چیزی که به شما نازل شد و بر خودشان نازل شده ایمان دارند، مطیع فرمان خدایند، آیات خدا را به بهای اندک نمی فروشند. مزد ایشان نزد پروردگارشان است».^{۶۹} و در مورد یهود می فرماید: «ولیکن استواران آنها در علم و مؤمنانی را که به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه قبل از تو نازل شده ایمان دارند و نماز گزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز دیگر اجر بزرگی خواهیم داد».^{۷۰} و به طور کلی می فرماید: «هرآینه از میان آنان که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان و نصارا هر که به خدا و روز آخر ایمان داشته باشد و کار شایسته کند بیمی بر او نیست و محزون نمی شود».^{۷۱} بلکه بالاتر از این می فرماید: «هرآینه آنان که گفتند که پروردگار ما الله است و سپس پایداری ورزیدند بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نمی شوند».^{۷۲}

۴۹- اصل حفظ منافع همه ملل و دول در حضور یا غیاب

دولت اسلام حافظ منافع ملل و دول عالم است. این نوع حفظ منافع اعم از آشکار یا پنهان و در حضور یا غیاب

^{۶۶} - سوره مائده، آیات ۵۸ - ۵۷، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُوبَ الْمُؤْمِنِينَ. وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بَانَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ.

^{۶۷} - سوره مائده، آیه ۵۱، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

^{۶۸} - سوره آل عمران، آیات ۱۱۴ - ۱۱۳، لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْتَجِدُونَ. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.

^{۶۹} - سوره آل عمران، آیه ۱۹۹، وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ.

^{۷۰} - سوره نساء، آیه ۱۶۲، لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا.

^{۷۱} - سوره مائده، آیه ۶۹، إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئُونَ وَ النَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. هَمَّجِنِينَ آيَةَ ۶۲، سوره بقره، این موضوع را تکرار می فرماید.

^{۷۲} - سوره احقاف، آیه ۱۳، إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

است. عدم حفظ منافع غیر به نوعی خیانت تلقی می‌شود. در سوره یوسف می‌فرماید: «من در غیاب او خیانت نکرده‌ام و خدا حیله خائنان را به هدف نمی‌رساند.»^{۷۳} این آیه تصریحی است بر ممنوعیت خیانت به منافع دیگران در غیاب آنها. وقتی حفظ منافع در غیاب دیگری واجب است به طریق اولی در حضور وی نیز واجب است.

همین استنباط را می‌توان از این آیه نمود که: «به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح او باشد تا بر نیروهای خویش برسد و پیمانانه و وزن را از روی عدل تمام کنید. ما به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم و هرگاه سخن گوئید عادلانه گوئید هر چند به زیان خویشاوندان باشد و به عهد خدا وفا کنید اینهاست که بدان سفارش می‌شود باشد که یاد آرید.»^{۷۴} در این آیه خداوند توصیه می‌فرماید که در غیاب شعور و رشد و بلوغ یتیم به مال او نزدیک نشوید و در غیاب و پنهان از مشتری از پیمانانه و وزن کم نکنید و چه او باشد و چه نباشد به عدالت رفتار کنید و این تکلیف در حد توان مسلمین است و حتی در سخن گفتن و جانبداری از خود و خویشاوندان خود حق ندارید سخن گوئید که نفع غیر عادلانه خود و خویشان خود را منظور نمائید. تعمیم این مسئله در سطح روابط بین‌الملل و اتخاذ سیاست خارجی دولت اسلام بسیار آشکار است. چون دول و ملل غیرمسلم هنوز ولایت اولوالامر را نیافته‌اند یتیم هستند و از پدر و ولی روحانی مهجورند لذا شمول این آیه مشمول ملل مختلف غیرمسلمان نیز می‌شود و از طرف دیگر تطابق واژه خویشاوندان در آیه فوق از لحاظ حکومت اسلام ملت و امت اسلامی است که خویشاوندان مسلمین هستند چه در موطن و چه در غیر موطن ایشان باشند. پس دولت اسلام باید منافع همه ملل و دول حتی غیرمسلمان را در عالم در حضور یا غیاب آنها حفظ نماید و حق ندارد در این راه به دلیل حفظ منافع ملت خود اجحاف نماید.

استثنائاتی که بر این اصل وجود دارد یکی دفاع در مقابل حمله دول دیگر است و محاربین مستثنی می‌باشند و استثناء دیگر در زمانی است که ظلم واقع شود و مظلوم حق اعتراض به جهر دارد. می‌فرماید: «خدا بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد»^{۷۵} و در این حالت حفظ منافع مظلوم و برخورد با ظالم از وظایف دولت اسلام است که می‌فرماید: «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده نمی‌جنگند.»^{۷۶} همچنین استنصار دینی مشمول این استثنائات می‌شود که فرمود: «اگر در دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید.»^{۷۷}

۵۰- اصل امانت‌داری

اصل امانت‌داری از مسائل خاص حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی در زمان حاضر است. بدین شکل که حتی در بسیاری از جنگ‌ها برخی از کشورها دارائی‌های مالی یا حتی تجهیزات نظامی خود نظیر هواپیماها را نزد کشور دیگر به امانت می‌گذارند و در مواقع معمول نیز دارایی بسیاری از کشورها به صورت دارایی‌های مالی در حساب بانکی خود

^{۷۳} - سوره یوسف، آیه ۵۲، اَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْغَائِبِينَ.

^{۷۴} - سوره انعام، آیه ۱۵۲، وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

^{۷۵} - سوره نساء آیه ۱۴۸، لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ.

^{۷۶} - سوره نساء آیه ۷۵: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.

^{۷۷} - سوره انفال آیه ۷۲: وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ.

در دیگر کشورها است. این دارایی‌ها هم متعلق به افراد است و هم متعلق به دولت‌ها و لذا امانت‌داری آنها و رد آنها به صاحبانش تأیید می‌شود. در قرآن کریم در آیه شریفه زیر به برگرداندن امانات امر شده است می‌فرماید: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانشان بازگردانید و چون در میان مردم به داوری نشینید به عدل داوری کنید.»^{۷۸} معنی این آیه در این است که هر حقی که در دست دیگری امانت است باید به فرد یا جامعه‌ای که صاحب آن است تحویل و واگذار شود و در این راستا باید بررسی کرد و حق را پیدا کرد و به اعطای حق به محق اقدام نمود.

در آیه دیگر در صفات مؤمنین می‌فرماید: «مؤمنین) کسانی هستند که امانت‌ها و پیمانهای خویش را مراعات می‌کنند.»^{۷۹} لذا دستور اسلام بر این است که امانات مختلف دولت‌ها و افراد نزد دولت اسلام و مسلمین باید به صاحبان آنها برگردانده شود. عدم عودت امانات اعم از امانات هدایت و رهبری خلق تا دخالت در امور خلق خدا و مسلمین و مؤمنین از کوچکترین منصب شرعی تا بزرگترین مناصب که سمت عظمای خلافت الهی است از جمله این امانات است که در زمان ظهور دولت اسلام کلیه این مناصب‌ها باید به اختیار نبی یا ولی یا وصی الهی قرار گیرد و هر کس از پیش خود و برحسب سلیقه خود عمل کند مشمول خیانت در امانت شده است. لذا فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و رسول خیانت نکنید و در امانت خیانت نورزید.»^{۸۰}

۵۱- اصل ممنوعیت منع خیر

این اصل به عنوان یکی از اصولی است که اجازه نمی‌دهد که مأمورین دولت اسلام در انجام امور خیر در سطح بین‌المللی بخل ورزند. یا اینکه در اقدامات خیرخواهانه دیگران منعی ایجاد نمایند. آیه شریفه زیر بر نکوهش «منع خیر» دلالت می‌فرماید: «هر ناسپاس کینه‌توز منع‌کننده خیر و متجاوز را به دوزخ اندازید.»^{۸۱}

یکی از کاربردهای این اصل در مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است و نمایندگان دول مختلف در مورد تعیین تکلیف برای دولت یا دول دیگر مشورت و اتخاذ تصمیم می‌نمایند. معمولاً روش غالب بر این است که هر دولتی با بررسی منافع قطعی و احتمالی حالیه و آتی خود از قدرت چانه‌زنی و مذاکره‌ای که در اختیار دارد منافع دول دیگر را به نفع خود محدود می‌نماید. این تنگ‌نظری بین‌المللی متأسفانه بسیار رایج است و سیاستمداران کشورهای مختلف گمان می‌کنند که اگر دیگر کشورها ترقی نکنند به نفع آنان است و منافع الخیر می‌شوند. در صورتی که این طرز فکر اساساً غلط و توسعه و رشد کشورها در گرو تعامل توسعه و رشد یکدیگر است. رویه بین‌المللی دولت اسلام در این مورد رفع موانع توسعه و رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از لحاظ کمی و کیفی برای همه دول و ملل عالم می‌باشد.

۵۲- اصل بیطرفی ناکامل سیاسی

بیطرفی به معنای عدم مداخله در روابط بین‌الملل میان دو یا چند کشور بر له یا علیه یک یا چند کشور از آنان می‌باشد. این مفهوم انطباق بسیاری بر اصطلاح عدم تعهد دارد که در حال حاضر در عرصه بین‌الملل رایج است.^{۸۲}

^{۷۸} - سورة نساء آیه ۵۸، إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.

^{۷۹} - سورة مؤمنون، آیه ۸، وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.

^{۸۰} - سورة انفال، آیه ۲۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ.

^{۸۱} - سورة ق، آیات ۲۵ - ۲۴ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ.

^{۸۲} - برای شرح مبحث بیطرفی و عدم تعهد که از انواع بیطرفی تلقی می‌شود نگاه کنید به قوام، عبدالعلی (۱۳۸۱)، اصول سیاست خارجی و

بیطرفی در اسلام تابع مقررات خاص خود است. به این نحو که اسلام خاصیتاً ولایت خداوند بر زمین را همانند ولی و پدر بر عهده دارد و این ولایت بر فرد فرد آحاد انسانها جاری است و تمام خلق فرزندان انبیاء و اولیاء و اوصیا الهی هستند. هرگاه در زیر ستم باشند، هرگاه نیاز به حمایت داشته باشند مورد حمایت قرار خواهند گرفت و هرگاه ستم نمایند با آنها مقابله و برخورد خواهد شد. از این جهت اسلام در موضعی قرار دارد که به نحوی در بی طرفی فعال بالقوه است. به این معنی که هرگاه حدود ظلم ایجاب به دخالت نماید اسلام موضع فعال بالفعل به خود خواهد گرفت. برای اسلام قابل قبول نیست که عدّه‌ای تحت ستم باشند ولی موضع بیطرف نسبت به ستم دیده و ستم کننده داشته باشد. البته باید به این موضوع نیز اشاره نمود که حکومت اسلام باید تحت امر حضرت ولی عصر ع باشد یا نابین منصوص او که به اذن بر این جایگاه قرار گرفته‌اند و نه به آراء یا شورا افراد بلکه فقط به نص صریح و معنن معصوم ع.

مفهوم بیطرفی در جنگ، وقوع در مقام شخصیت ثالث و یا ناظر است و نه به مفهوم طرفین درگیر. احکام دفاع در جنگ خود مبحث دیگری است که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد. پیمانهای صلح که در زمان رسول اکرم ص منعقد شد غالباً در این باب یعنی پیمانهای عدم تعرض متقابل بوده است و نه در موضع ثالث قرار گرفتن.

۵۳- اصل نفی تحت‌الحمایگی و جواز حمایت

براساس این اصل دولت اسلام تحت قیمومیت و حمایت کشوری دیگر قرار نمی‌گیرد. دولت تحت‌الحمایه^{۸۳} از لحاظ حقوق بین‌الملل به دولتی گفته می‌شود که به موجب عهدنامه بین‌المللی با دولت مقتدر و نیرومندی رابطه حقوقی و سیاسی پیدا کند و در نتیجه ایجاد و برقراری رابطه حقوقی مذکور دولت تحت‌الحمایه در عین اینکه شخصیت بین‌المللی خود را حفظ می‌کند از بعضی جهات تابع دولت دیگر که دولت حامی نامیده می‌شود واقع می‌گردد و اداره روابط خارجی و همچنین نظارت بر قسمتی از امور داخلی خود را به آن واگذار می‌کند. میزان اداره این روابط چه در زمینه روابط خارجی و چه در زمینه مسائل داخلی کشور را عهدنامه فی‌مابین مشخص می‌کند.^{۸۴}

دولت اسلام تحت‌الحمایه هیچ کشوری قرار نمی‌گیرد بلکه کشورهای دیگر را نیز تحت‌الحمایه قرار می‌دهد. ولایت کلیه در اسلام که مورث اذن منصوص است بر تمام افراد بشر حکم ولی و حامی دارد و همه ابناء بشر را تحت حمایت قرار می‌دهد. این خلیفه الله، بقیه الله در زمین است و امام عصر است و جانشین نبی اکرم ص و واسطه فیض به خلق است. و مرز نشین عالم و جوب و عالم امکان است و از دستی می‌گیرد و با دستی فیض حق تعالی شأنه را به خلق می‌رساند. این ولایت متفاوت از مباحث ولایت فقهی است که در این دوران از آن ذکر می‌شود. نسبت به این خلیفه الله ابناء بشر در مراتب کفر، شرک، اسلام و ایمان و احسان قرار می‌گیرند. هر کس او را نشناسد در کفر یا تحت کفره به معنی پوشش قرار می‌گیرد و هر کس او را همراه با دیگری یا خود تبعیت کند در مقام شرک است و آن که تسلیم امر او قرار گرفت مسلمان است و آن که او را شناخت در ایمان قرار خواهد گرفت و آنکه از خودیت خود مُرد و در خدائیت او مستغرق گردید به مقام احسان می‌رسد.^{۸۵}

سیاست بین‌الملل. سازمان سمت، تهران.

^{۸۳} - Protectorat

^{۸۴} - نگاه کنید به: صفدری، محمد (۱۳۴۲) حقوق بین‌الملل عمومی، جلد ۳، دانشگاه تهران، صص ۵۵۲ - ۵۴۹.

^{۸۵} - برای شرح درباره این شخصیت مراجعه شود به: تعلیم و تعلم از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی (۱۳۶۳)، ترجمه احمد فهری، نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم مهر ماه ۱۳۶۳، چاپ افست علامه طباطبائی، صص ۱۷ به بعد.

۵۴- اصل عدم مداخله در امور کشورها

اصل عدم مداخله در امور کشورها از لوازم حقوق اساسی مبتنی بر حق استقلال کشورها می‌باشد. هر کشور حق دارد سرنوشت خود را خود تعیین کند و کسی حق ندارد در تعیین و ترسیم سرنوشت او تصمیم بگیرد. بر اساس اصول مسلم و اساسی حقوق بین‌الملل عمومی هیچ کشوری حق ندارد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نماید. حقوق اساسی دولت‌ها شامل حقوق صیانت، استقلال، مساوات، اقدام متقابل و بازرگانی جهانی می‌باشد که اکثر قریب به اتفاق حقوق‌دانان این اصول را تأیید و از حقوق مسلم دولت‌ها می‌دانند.^{۸۶} استثنائاتی نیز بر این قاعده کلی وجود دارد که اگر دولتی اصول حقوق بین‌الملل را زیر پا بگذارد و یا با اعمال فشار بر اتباع خارجی اقدام به وارد آوردن خسارت بر آنها کند و یا آئین دادرسی لازم و کافی برای حفظ حقوق اتباع بیگانه در آن کشور وجود نداشته باشد دولت‌ها اقدام به مداخله در امور کشور مزبور می‌نمایند. این مداخلات غالباً با جلب افکار عمومی بین‌المللی صورت می‌پذیرد و در وقایع مختلف حتی به شکل لشکرکشی‌های بین‌المللی نیز صورت پذیرفته است.

در اسلام، اساس بر اقدام متقابل و عدم دخالت در امور کشورهاست ولی بر اساس اصول دیگری این اصل نیز با موارد مستثنی مواجه است. برای مثال هنگامی که گروهی تحت ظلم و ستم واقع شوند بدون توجه به اینکه این افراد در کشور دیگری واقعند حمایت از آنان در اسلام مقرر شده است. این افراد اگرچه اتباع بیگانه و شهروندان کشورهای دیگر می‌باشند مورد حمایت اسلام هستند. این اصل کلی حمایت از مظلوم در اسلام می‌تواند ناقض بسیاری از اصول متعارف روابط بین‌الملل باشد. اگر در روابط بین‌الملل حتی گروهی محروم یا مستضعف و نه مظلوم یا تحت ستم از دولت اسلام درخواستی نمایند بی‌پاسخ نمی‌ماند. که خطاب به رسول اکرم ص می‌فرماید: «پس از یتیم روی برنگردان و درخواست کننده را نران»^{۸۷} البته این موارد پس از تحقق شرایط عدیده لازم الاجرا است و می‌توان در فقه اسلام این شرایط را استنباط و احصاء نمود.

۵۵- اصل وجوب آزادسازی ستم‌دیدگان

در اسلام، کلیه افراد مسئول هستند. رسول اکرم ص فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول».^{۸۸} در زمانی که به ستم‌دیدگان ستم شود حکومت اسلام موظف به حمایت از ستم‌دیده و مظلوم است و باید به رفع ظلم از ناتوانانی که به آنها ظلم می‌شود حتی با جنگ اقدام کند. قرآن کریم می‌فرماید: «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده نمی‌جنگند».^{۸۹} در این آیه سؤال به معنی تعجب از توقّف در مقابل قیام برای رفع ظلم از مردمانی است که تحت ستم حاکم یک قریه (یا کشور) قرار گرفته‌اند. در این آیه اشاره‌ای به دین مظلومان نشده است و کلیه آحاد بشر را شامل

^{۸۶} - نگاه کنید به: ارسنجانی، حسن (۱۳۴۲) حاکمیت دولتها، چاپ جیبی تهران، و همچنین صفدری، محمد (۱۳۴۰) حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.

^{۸۷} - سورة والضحی، آیات ۱۰-۹، فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ.

^{۸۸} - بحار الأنوار، ۷۲، ۳۸، باب ۳۵- الإنصاف والعدل... و روی عن النبي ص کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ.

^{۸۹} - سورة نساء آیه ۷۵: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.

می‌شود. تخصیص آیه نسبت به کسانی است که مستدعی رفع ستم از خود هستند. چه ربّ خود را بشناسند و چه نشناسند و چه ربّ آنها از نظر آنها مخاطب حاضر باشد و چه مخاطب غایب.

بطور کلی یاری در مقابل استنصار دینی دیگران واجب است که می‌فرماید: «اگر در دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید».^{۹۰} استثناء این آیه درباره برخی پیمان‌هایی است که قبلاً بسته شده و در جای خود به آن اشاره می‌شود. در حال حاضر شبیه این یاری در لشکرکشی‌های بین‌المللی به بهانه آزادسازی ملت‌ها دیده می‌شود که باید براساس توافقات و قوانین بین‌المللی نظم و نسق معقولی بیابد در غیر این صورت این اصل مستمسک کشورهای قدرتمند در تجاوز به کشورهای کوچک به بهانه آزادسازی ملل آنها قرار می‌گیرد که مشابه آن را پس از فروپاشی شوروی و تغییر نظام دو قطبی قدرت به نظام یک قطبی در عرصه سیاسی بین‌المللی شاهد هستیم. به هر حال دولت اسلام در این موضوع جهت‌گیری خاص خود یعنی حفظ حقوق مظلوم را منظور نظر دارد.

۵۶- اصل حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها

پدیده تمایز اقلیت‌ها در طول تاریخ بیش از هر چیز جنبه مذهبی داشته است و این نوع در مضیقه قرار دادن همواره از جبهه جاهلان و قشریون مذهبی بر علیه فرق یا مذاهب یا ادیان دیگر رخ می‌داده است، و همچنان نیز در تمام جوامع و ملل سیاره زمین این مسئله کم و بیش وجود دارد و عده‌ای عوام‌الناس به تحریک روحانی‌نمایان ادیان مختلف که به نحوی در خفا توسط قدرت‌های سیاسی و اقتصادی کنترل و هدایت می‌شوند اقدام به آزردن ساختن اقلیت‌ها می‌نمایند.

در عهدنامه‌های قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مانند وستفالی و وین به این موضوع یعنی آزادی مذهب توجه شده است. در عهدنامه پاریس ۱۸۵۶ پس از جنگ کریمه مقرر گردید که نه فقط از نظر مذهبی بلکه از لحاظ نژادی نیز افراد یک کشور قابل تبعیض و اختلاف نیستند. در عهد نامه برلن ۱۸۷۸ شناسایی آزادی مذهبی اتباع تصریح شده. در سومین دوره اجلاس جامعه ملل در سال ۱۹۲۲ اقلیت‌های مذهبی و نژادی و زبانی همگی مورد حمایت واقع شدند و تصریح گردید که اقلیت‌ها حق انجام مراسم مذهبی به شرط آنکه مخالف نظام عمومی و اخلاق حسنه نباشد، حق استفاده از حقوق مدنی و سیاسی مانند سایر اتباع مملکت، حق استفاده از زبان مخصوص غیر از زبان رسمی کشور در روابط خصوصی، تجاری، مذهبی، مطبوعاتی و قضایی، حق تأسیس و اداره مؤسسات خیریه و مذهبی و اجتماعی و مدارس و مؤسسات تربیتی و تعلیم زبان مخصوص خود در آن مؤسسات و مدارس و حق داشتن تابعیت و ملیت کشور محل سکونت یا توقف خود را دارند. در مقابل اقلیت‌ها مکلف به وفاداری و همکاری با دولت متبوع خود می‌باشند.

برای تضمین احترام و رعایت حقوق اقلیت‌ها در عهدنامه‌های بعد از جنگ اول مقرر گردید که دولت‌ها باید حفظ حقوق اقلیت‌ها را در قوانین اساسی خود منعکس نمایند و جامعه ملل نیز اجرای این تعهدات را مراقب خواهد بود و مشخصاً اعضای شورای جامعه ملل ملزم به بذل توجه خاص به رعایت مقررات عهدنامه‌های مربوط به اقلیت‌ها شدند. علی‌ایحال، هر یک از دول عضو و همچنین خود افراد اقلیت‌ها حق دارند توجه شورا را به نقض مقررات مربوط به اقلیت‌ها جلب نمایند و با تسلیم هر شکایت به دبیرکل، وی ملزم به ارسال آن به شورای جامعه ملل است و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی وظیفه حل و فصل اختلاف نظر بین دولتهای ذینفع و اعضای شورای جامعه در مورد مقررات

^{۹۰} - سورة انفال آیه ۷۲: وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ.

عهدنامه‌های مربوط به اقلیت‌ها را خواهد داشت.^{۹۱}

پس از جنگ دوم جهانی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اولین دوره اطلاعاتی خود اعلام کرد: «مصلحت عالیۀ جامعه بشریۀ اقتضاء می‌کند که به آزار و اذیای افراد بشر و تبعیضات مذهبی و نژادی خاتمه داده شود». در این جهت کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و جلوگیری از تبعیض در سال ۱۹۴۷ شروع به کار نمود. اعلامیۀ حقوق بشر در این باب از دستاوردهای این کمیسیون می‌باشد.

در اسلام حقوق اقلیت‌ها با نگرش خاصی مطرح است و مبنای این نگرش خاص اعتلای فکر افراد بشر می‌باشد. اقلیت‌ها در اسلام به چند گروه و طبقه تقسیم می‌شوند.

۱- مشرکین که به پرستش مجسمه‌ها و بت‌ها به عنوان خالق خود می‌پردازند. اسلام از این گروه بیزاری می‌جوید و این بیزاری جستن عاملی است برای اینکه آنها دست از این تفکر متحجرانه خود بردارند و هرگاه از این پرستش دست برداشتند در زمرۀ گروه‌های دیگر قرار می‌گیرند. در مبحث بیزاری از مشرکین به این موضوع پرداخته شد.

۲- اهل کتاب که در همه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه شریک هستند ولی در عوض برای اینکه دولت اسلام از جان و مال و ناموس و آبروی آنان حمایت می‌کند باید جزیه دهند که هزینه خدمات حمایتی از آنهاست و در هنگام جنگ معاف از سربازی و جنگ نیز می‌باشند. این گروه با گفتن شهادتین حتی به نفاق و دروغ از این اقلیت بیرون آمده و در زمرۀ مسلمین قرار می‌گیرند. زیرا اسلام فقط با اقرار به خدا و قبول لفظی رسول خدا ص حادث می‌شود. اسلام با ایمان متفاوت است و اسلام حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را تأمین و اعطاء می‌کند ولی ایمان امری قلبی و روحی است که با صدق و خلوص قلبی ایجاد می‌شود.^{۹۲}

۳- بردگان هستند که اسلام با قوانین تشویقی خود سعی نمود تا این گروه را هرچه ممکن است کوچکتر کند و رفع ظلم از این گروه نماید. شرح مفصل الغای بردگی در بخش مربوطه آمده است.

به غیر از موارد فوق اقلیت دیگری در اسلام و حقوق اسلامی شناخته نمی‌شود و این تبعیض ظاهری فقط برای تحریض اقوام و اقلیت‌ها به حرکت در جهت اعتلای فکری آنهاست. معذالک در همین زمینه نیز همانطور که در اعلامیۀ حقوق بشر در مورد اقلیت‌ها آمده است و همچنین مطابق با مصوبات دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر^{۹۳} در ژوئن ۱۹۹۳ (تیر ۱۳۷۲) اسلام با رفع تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی و سایر اشکال نابرابری در مورد اقلیت‌های ملی یا قومی یا مذهبی یا زبانی و اعطای شرایط مساوی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به آنان موافقت دارد و آزادی این گروه‌ها در عقاید، آراء، رسوم، سنت‌ها، مذاهب، زبان، قومیت و ملیت خود بر طبق نظر و اراده خودشان محرز شناخته شده است و فقط محدودیت آن در تجاهر به فسق و تجاوز به حقوق دیگران می‌باشد.

حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها از لحاظ دفاع و حمایت از افراد تحت ظلم و ستم بر دولت اسلام از واجبات است که

^{۹۱} - نگاه کنید به صفدری، محمد (۱۳۴۲) جلد سوم، صص ۲۳۸ - ۲۲۳.

^{۹۲} - در سوره حجرات آیات ۱۵ - ۱۴ می‌فرماید: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. اعراب گفتند ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده‌اید، بگوئید که اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌هایتان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید از اعمال شما کاسته نمی‌شود، همانا خدا آمرزنده مهربان است. مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و دیگر شک نکرده‌اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده‌اند. ایشان راستگویانند.

^{۹۳} - مدنب، جلال‌الدین (۱۳۷۴) حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط بین‌الملل، جلد اول. صص ۴۴۲ - ۴۰۹.

این موضوع در جای خود مورد بحث قرار گرفت.

۵۷- اصل عدم مصداق بردگی و برده فروشی در این زمان

برده‌داری یکی از مباحث پر سر و صدائی است که مخالفین اسلام غالباً به آن استناد می‌جویند و اسلام را متمایل به ترجیح انسان آزاد به برده نشان می‌دهند. حضرت حاج سلطانه‌حسین تابنده در شرحی به نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر در این باب به تفصیل ذکر می‌فرمایند.^{۹۴} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده نیز شرحی در این باب نوشته‌اند که با دیدگاه تکامل اجتماعی اسلام موضوع برده‌داری در اسلام را شرح و تحلیل می‌نمایند.^{۹۵}

به هرحال دیدگاه اسلام در ارتباط با برده‌داری بر دو محور اصلی قرار دارد، یکی اینکه اسرای جنگی که اقدام به حرب نموده‌اند در زمره بردگان قرار می‌گیرند و دوم اینکه همه مسلمین تحریض می‌شوند تا این بندگان را آزاد کنند. در موضوع اول از لحاظ اداره امور معیشت اسرا موضوع برده‌داری اهمیت خاصی در صدر اسلام داشته است. چه که نمی‌توان گروهی که اقدام به جنگ نموده‌اند و سربازان متخاصم بوده‌اند را قبل از پایان کلیه خصومت‌ها به سرزمین خود برگرداند. زیرا مجدداً سلاح به دست گرفته و تهاجم می‌نمایند. از طرفی نمی‌توان آنان را بدون خوراک و مسکن نیز رها نمود. تشکیلات زندان نیز در آن زمان موجود نبوده که اسرا را نگهداری و قوت آنها را تأمین کند لذا بهترین کار این بوده که آنها را در اختیار مسلمین قرار دهند تا اولاً شغل حداقلی داشته باشند، ثانیاً غذا و مسکن آنها بدینوسیله تأمین شده باشد و ثانیاً تحت نظارت باشند تا مرتکب فتنه نشوند. از این سو حقوق آنان را نیز در برخی موارد اجتماعی نصف حقوق دیگران قرار دارد در عوض حدود و مجازات را نیز نصف نمود. در این رابطه می‌فرماید: «کسی را که توانگری نباشد تا زنان مؤمنه را به نکاح گیرد از کنیزان مؤمنه‌ای که مالک آنها هستید به زنی گیرید و خدا به ایمان شما آگاه‌تر است. همه از جنس یکدیگرید پس بندگان را به اذن صاحبانشان نکاح کنید و مهرشان را به نحو شایسته‌ای بدهید و باید که پاکدامن باشند نه زناکار و نه از آنها که رفیق (دوست پسر) داشته باشند و چون شوهر کردند هرگاه مرتکب فحشا شوند عذاب آنها نصف عذاب زنان آزاد است و این برای کسانی است از شما که بیم دارند که به رنج افتند و با این همه اگر صبر کنید برایتان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.»^{۹۶} این دیدگاه متفاوت از تجاوزات و شیخون‌های اعراب برای تصرف اموال و افراد قبائل است که آنها را بدین شکل به بردگی می‌گرفتند. اسلام از این پدیده و رسوم برده‌داری در اصل برای حفظ و بقای دوست و دشمن استفاده نمود.

نکته دیگر همانطور که در فوق ذکر شد تحریض مسلمین به آزادسازی آنها یعنی خارج شدن از قیمومت صاحبان آنها و اعطای حقوق اجتماعی همانند سایر افراد جامعه است. ترغیب مسلمین به آزادسازی بندگان و قراردادن کفاره بسیاری از خطاها برای این موضوع از آیات زیر مشهود است: در سوره بقره می‌فرماید: «نیکی آن نیست که روی به جانب مشرق و مغرب کنید. بلکه نیکی آن است که به خدا و روز آخر و ملائکه و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال

^{۹۴} - نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، چاپ دوم ۱۳۵۴، تهران. انتشارات صالح، صص ۵۱ - ۴۵.

^{۹۵} - متن کامل این مقاله در مجله عرفان ایران، گردآوری و تدوین دکتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۱۹، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۳، تحت عنوان برده‌داری در اسلام، صص ۱۸ - ۱۰ آمده است.

^{۹۶} - سوره نساء، آیه ۲۵، وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

خود را با آنکه دوستش دارد به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان و (آزاد سازی) بردگان ببخشد و نماز بگذارد و زکات بدهد و چون عهده ببندد به آن وفا کنند و در بینوایی و بیماری و هنگام جنگ صبر کنند اینان راستگویان و پرهیزگارانند.»^{۹۷}

در سوره مائده می‌فرماید: «خداوند شما را به سبب سوگندهای لغوتان بازخواست نخواهد کرد ولی به سبب شکستن سوگندهایی که به قصد می‌خورید، بازخواست می‌کند و کفاره آن اطعام ده مسکین است از غذای متوسطی که به خانواده خویش می‌خورانید یا پوشیدن آنها یا آزاد کردن یک بنده و هر که نیابد سه روز روزه داشتن. این کفاره قسم است هرگاه قسم خوردید به قسمهای خود وفا کنید. خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می‌کند باشد که سپاسگزار باشید.»^{۹۸} در سوره توبه می‌فرماید: «صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگران آن و نیز برای تألیف قلوب و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه‌ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است.»^{۹۹} در سوره مجادله می‌فرماید: «آنهايي که زاننان را ظاهر می‌کنند، آنگاه از آنچه که گفته‌اند پشیمان می‌شوند، پیش از آنکه با یکدیگر تماس یابند باید بنده‌ای آزاد کنند. این پندی است که به شما می‌دهند و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است. اما کسانی که بنده‌ای نیابند، پیش از آنکه با یکدیگر تماس یابند باید دو ماه پی در پی روزه بدارند و آن که نتواند، شصت مسکین را طعام دهد و این بدان سبب است که به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید.»^{۱۰۰} در اعراب رسم بر این بوده که اگر مردی به زنش خطاب می‌کرده که تو مثل مادر من هستی دیگر روابط زناشویی بین آنها حرام می‌شده است. این رسم به ظاهر معروف بوده اسلام با نفی این خرافه در آیه قبل می‌فرماید: «از میان شما کسانی که زاننان را ظاهر می‌کنند بدانند که زاننان مادران نشان نشوند، مادران نشان فقط زانی هستند که آنها را زانیده‌اند و سخنی ناپسند و دروغ است که می‌گویند و خدا از گناهان درگذرنده و آمرزنده است.»^{۱۰۱} تلاش هم برای تربیت ظاهرکنندگان که دیگر به خرافه توجه نکنند و براساس خرافه زحمت برای خود و خانواده خود و اجتماع ایجاد نمایند نموده و آنها را ملزم به پرداخت کفاره می‌نماید. از طرف دیگر از این کفاره جهت بهبود وضع بردگان و مساکین به این نحو استفاده نموده و کفاره را آزادسازی برده یا اطعام مسکین قرار می‌دهد. در سوره بلد می‌فرماید: «و تو چه دانی که عقبه چیست، آزاد کردن بنده است»^{۱۰۲}. در سوره نساء می‌فرماید: «هیچ مؤمنی را نباشد که مؤمن دیگر را جز به خطا بکشد و هر کس

^{۹۷} - سوره بقره، آیه ۱۷۷، لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

^{۹۸} - سوره مائده، آیه ۸۹، لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

^{۹۹} - سوره توبه، آیه ۶۰، إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

^{۱۰۰} - سوره مجادله، آیات ۴-۳، وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تَوْعُظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ.

^{۱۰۱} - سوره مجادله، آیه ۲، الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْتَهُمْ وَ إِنْهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ.

^{۱۰۲} - سوره بلد، آیات ۱۳-۱۲، وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ. فَلِكُ رَقَبَةٍ.

که مؤمنی را به خطا بکشد باید بنده‌ای مؤمن را آزاد کند و خونباهش را به خانواده‌اش تسلیم کند مگر آنکه خونبها را ببخشند و اگر مقتول مؤمن و از قومی است که دشمن شماسست فقط بنده مؤمنی را آزاد کند و اگر از قومی است که با شما پیمان بسته‌اند، خونبها به خانواده‌اش پرداخت شود و بنده مؤمن را آزاد کند و هرکس که بنده‌ای نیابد برای توبه دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد و خدا دانا و حکیم است.^{۱۰۳} در همین سوره باز می‌فرماید: «با پدر و مادر و خویشان و یتیمان و ینویان و همسایه خویشان و همسایه بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و آنان که مالک آنها شده‌اید (بردگان) نیکی کنید هرآینه خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد.»^{۱۰۴} در سوره نحل می‌فرماید: «خدا روزی بعضی از شما را از بعض دیگر افزون کرده است پس آنان که فزونی یافته‌اند از روزی خود به آنان که مالک آنها شده‌اند نمی‌دهند تا همه در روزی یکسان شوند آیا نعمت خدا را انکار می‌کنید؟»^{۱۰۵} در سوره نور دستور می‌فرماید که: «عزبیتان را و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند همسر دهید. اگر ینویا باشند خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت که خدا گشایش دهنده و داناست. آنان که استطاعت زناشویی ندارند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از کرم خویش توانگرشان گرداند. و از بندگانتان (بردگان) آنان که خواهان بازخریدن خویش هستند اگر در آنها خیری یافتید بازخریدشان را بپذیرید و از آن مال که خدا به شما ارزانی داشته است به آنان بدهید و کنیزان خود را اگر خواهند که پرهیزگار باشند به خاطر ثروت دنیوی به زنا وادار مکنید. هرکس که آنان را به زنا وادارد، خدا برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار وادار گشته‌اند آمرزنده و مهربان است.»^{۱۰۶}

۵۸- اصل اتحاد بر حق

این اصل به یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی کشورها و روابط بین‌الملل در طول تاریخ اشاره دارد. همواره دیده شده که اتحادیه‌های مختلفی اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و تجاری در بین گروه کشورهای مختلف تشکیل می‌گردد که براساس آن دو هدف کلی دنبال می‌شود. هدف اول افزایش کارآئی انتفاع بین کشورهای عضو اتحادیه است و هدف دوم افزایش سود یا جلوگیری از زیان وارده ناشی از کشورهای غیرعضو می‌باشد. بسیاری از این اتحادیه‌ها براساس مورفولوژی ژئوپولیتیک استوار است که این همسایگی‌ها خود سبب همگنی‌ها و اشتراک منافع و فرهنگ و رویه و قومیت و زبان و آداب و غیره شده است.

اتحادیه‌های مختلف براساس دو هدف فوق همواره در جهت حداکثر کردن منافع گروهی اعضای تشکیل می‌شود.

^{۱۰۳} - سوره نساء آیه ۹۲، وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

^{۱۰۴} - سوره نساء آیه ۳۶، وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِالذَّيِّ الْقُرْبَىٰ وَ الْإِثْمَانِي وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخْرًا.

^{۱۰۵} - سوره نحل آیه ۷۱، وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِيْنَ فَضَّلُوا بَرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فِيهِمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلْفَنِعْمَةَ اللَّهِ يَجْحَدُونَ.

^{۱۰۶} - سوره نور، آیات ۳۳ - ۳۲، وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. وَ لِيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَ لَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَنْ يَكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

از لحاظ اسلام این اتحادیه‌ها فقط در شرایطی قابل تشکیل هستند که باعث پایمال شدن حقوق دیگران نشوند. به عبارت دیگر نباید برای اعمال ظلم به کشور ضعیف دیگری با کشور ثالثی متحد شد یا وارد معاهده‌ای گردید. دولت اسلام حافظ منافع دوست و دشمن غیرحربی در حضور و غیاب آنهاست و دشمن حربی هم با کنار گذاشتن سلاح حرب و گفتن کلمه لا اله الا الله حتی به نفاق در مأمّن اسلام قرار می‌گیرد. ولی باید به این موضوع نیز اشاره کرد که گرچه در این حال جان و مال و ناموس و آبروی وی در امان دولت اسلام قرار می‌گیرد ولی دوست مؤمنین نمی‌شود^{۱۰۷} مگر به ایمان که مرحله‌ای پس از اسلام است و با بیعت خاص صورت می‌گیرد. و اگر کشور ضعیف مورد اشاره در زمره مؤمنین قرار گیرد بر مصداق این آیه خداوند مدافع آنان است. می‌فرماید: «خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند و خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد.»^{۱۰۸} و می‌فرماید: «هیچ پیامبری خیانت نکند.»^{۱۰۹} و به مؤمنین نیز همین امر شده است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید می‌دانید که نباید به خدا و پیامبر خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید.»^{۱۱۰} یعنی پس از ایجاد اتحاد اسلامی به آن خیانت نخواهد کرد. در سوره یوسف می‌فرماید: «من در غیاب او خیانت نکرده‌ام و خدا حيلة خائنان را به هدف نمی‌رساند.»^{۱۱۱} تعمیم این آیه به سطح روابط بین الملل منع اتحاد و یا هرگونه اقدامی خائنانه بر علیه دیگری است. خداوند رسول اکرم ص را از دشمنی به نفع خائنین منع می‌فرماید. در قرآن کریم آمده است: «به نفع خائنین به مخاصمت بر مخیز.»^{۱۱۲} یعنی نباید با ایجاد اتحاد به ناحق با خائنین به دیگری خصومت نمائی. فقط چنانچه دولت دیگری در اتحاد خائنانه بر علیه دولت اسلام اقدام نمود عمل به مثل دستور خداوند است. می‌فرماید: «اگر می‌دانی که گروهی در پیمان خیانت می‌ورزند به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد زیرا خدا خائنان را دوست ندارد.»^{۱۱۳} و خیانت به رسول ص خیانت به خداست که می‌فرماید: «اگر قصد خیانت به تو را داشته باشند پیش از این به خدا خیانت ورزیده‌اند.»^{۱۱۴}

دستور قرآن در معیت و اتحاد با حق از این آیه قابل استنباط است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و با راستگویان باشد.»^{۱۱۵} یعنی در صورت لزوم هرگونه طرفداری یا جانبداری یا اتحاد، این معیت و همراهی را با صادقین برقرار سازید.

^{۱۰۷} - سوره توبه، آیه ۷۱، وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ. مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند. در سوره توبه آیه ۲۳، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. ای کسانی که ایمان آوردید اگر پدرانتان و برادرانتان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند آنها را به دوستی مگیرید و هرکس از شما دوستشان بدارد از ستمکاران است.

^{۱۰۸} - سوره حج آیه ۳۸، إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ. در سوره نساء آیه ۱۰۷ می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَتِيماً. خداوند خائنان گناهکار را دوست ندارد.

^{۱۰۹} - سوره آل عمران آیه ۱۶۱، وَ مَا كَانَ لَنَبِيِّ أَنْ يُغْلَ.

^{۱۱۰} - سوره انفال، آیه ۲۷، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

^{۱۱۱} - سوره یوسف آیه ۵۲، أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ.

^{۱۱۲} - سوره نساء آیه ۱۰۵، وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيماً.

^{۱۱۳} - سوره انفال، آیه ۵۸، وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ.

^{۱۱۴} - سوره انفال، آیه ۷۱، وَ إِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ.

^{۱۱۵} - سوره توبه، آیه ۱۱۹، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.

تعمیم این اصل تا آنجا پیش می‌رود که طبق توافق یکپارچه بین‌المللی می‌توان یک اتحاد جهانی تشکیل داد که در مقابل کشور خاطی بایستد و ضامن اجرای قوانین بین‌المللی باشد. این وحدت، عملی شدن مفاد این آیه است که فرمود: «به اهل کتاب بگو بیاید به سوی کلمه‌ای که پذیرفته‌ما و شماست.»^{۱۱۶}

۵۹- اصل ممنوعیت ظلم و عدم جواز به یاری در ظلم

این اصل از اصول پایه در اسلام می‌باشد. ظلم در لغت به معنی «قرار دادن شیء در غیر موضع خودش»^{۱۱۷} می‌باشد. خلاصه کلام در مفهوم حق و ظلم این است که حداکثر بهره‌برداری از منابع، حق؛ و بازدهی زیر ظرفیت، ظلم تلقی می‌شود.^{۱۱۸} از لحاظ تعاریف قرآنی معیار «حداکثر بهره‌برداری» «حدود الهی» نامیده می‌شود. معیار «حدود الهی» بیان اجتماعی «حداکثر بهره‌برداری» است. در قرآن کریم می‌فرماید: «و کسانی که به حدود الهی تعدی نمایند پس آنها ظالم هستند.»^{۱۱۹} در اسلام بهینه رفتار اجتماعی انطباق عمل با حدود الهی است و حدود الهی خود شرح مفصّلی دارد که شاید خارج از حوصله این مقال باشد ولی به اشاره باید گفت که نبی یا ولی یا وصی علیهم‌السلام حدود الهی و میزان هستند و نازل نبی ص قرآن کریم است که تدوین بیانی حدود الهی می‌باشد.

ظلم در اسلام گناه است. به عبارت دیگر کم‌کاری، بدکاری و عدم استحصال حداکثر بازدهی از امکانات و قوا تخطی تلقی می‌گردد. زیرا به شکرانه عطا یائی که خداوند مرحمت فرموده باید حداکثر بازدهی را از آن استحصال نمود و عدم حصول این حداکثر بازدهی ظلم تلقی می‌شود. در آیه شریفه سوره هود می‌فرماید: «و ظالمین از پی آسودگی رفتند و مجرم بودند.»^{۱۲۰} ظالمین (با این تعریف) در راه اشتباه گام برمی‌دارند: که می‌فرماید: «بلکه ظالمین در گمراهی واضح هستند.»^{۱۲۱} و فرمود به واسطه این ظلم است که «به جز زیان به ظالمین چیزی اضافه نگردد.»^{۱۲۲}

با این تفصیل ظلم در زمره جرایم واقع می‌شود و عدم عمل به حق به معنی ظلم و مستوجب جریمه است. در آیه شریفه می‌فرماید: «این جزای بد در خور کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند.»^{۱۲۳} و در آیه دیگر در عتاب شدیدی به ظالمین می‌فرماید: «پس وای بر کسانی که ظلم کنند.»^{۱۲۴} و در آیه دیگر می‌فرماید

^{۱۱۶} - سورة آل عمران آیه ۶۴، قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ.

^{۱۱۷} - راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان. ص ۳۲۶، «وضع الشيء من غير موضعه».

^{۱۱۸} - تعریف و تشریح فوق بسیار جامع است و مفاهیم عایدی را در برمی‌گردد. از لحاظ واژه‌های نوین «موضع شیء منطبق با مفاهیم «بهینه» یا optimal یا کاراترین یا کارآمدترین یا مطلوب‌ترین یا متعالی‌ترین یا با بیشترین راندمان کاربرد شیء می‌باشد. واژه بهینه از لحاظ ریاضی مفهوم خاصی دارد؛ یعنی حداکثر بهره‌برداری از منابع با توجه به محدودیت‌های موجود. واژه منابع تعریف گسترده‌ای دارد و کلیه امکانات و قوا در وجود انسان و در جامعه در زمره منابع محسوب می‌شوند..

^{۱۱۹} - سورة بقره، آیه ۲۲۹، وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ در سورة طلاق آیه ۱ نیز می‌فرماید: وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ. و هرکس که به حدود خدا تعدی نماید پس به تحقیق به خود ظلم کرده است.

^{۱۲۰} - سورة هود، آیه ۱۱۶، وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ.

^{۱۲۱} - سورة لقمان، آیه ۱۱، بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. و در آیه ۳۸ سورة مریم می‌فرماید: لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.

^{۱۲۲} - سورة اسراء، آیه ۸۲، وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا.

^{۱۲۳} - سورة شوری آیه ۴۲، إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

^{۱۲۴} - سورة زخرف آیه ۶۵، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا.

که: «برای ستمکاران یآوری نیست.»^{۱۲۵} و این آیه بر این تأویل نیز مُفَرَّ است که نباید به ستمکار یاری نمود. این گفتار در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دولت اسلام نیز مصداق عینی دارد. یعنی دولت اسلام در مورد ملل یا افراد ملل دیگر مرتکب عملی نمی‌گردد که از حق دور و به ستم نزدیک باشد. در این باب حتی به دولت‌ها و افرادی که به دیگر افراد و ملل عالم ستم می‌کنند یاری نمی‌دهد. اتحادیه‌های نظامی در قرون اخیر مصادیق بارز این مسئله می‌باشند که دول مختلفی با یکدیگر متحد شدند تا به حقوق ملل دیگر تجاوز نمایند. لشگرکشی‌های برخی دول بزرگ به کشورهای مختلف در اوائل قرن جاری و اواخر قرن گذشته همگی در این مقوله می‌گنجند.

۶۰- اصل عدم جواز به سلطه‌جویی و بگی

در اسلام، سلطه‌جویی مجاز نیست. لذا حتی پیامبر اکرم ص نیز از سلطه‌جویی منع شده است. در سوره شریفه غاشیه می‌فرماید: «پس تذکر بده که تو جز تذکر دهنده‌ای نیستی و تو بر آنان فرمانروا نیستی.»^{۱۲۶} و در آیه دیگر می‌فرماید: «نیست جز اینکه تو بیم دهنده هستی و برای هر قومی هادی هست.»^{۱۲۷} این دو آیه مأخذ کشف مطالب بسیاری است. مطلب اصلی در این باب این است که وقتی پیامبر خدا ص وظیفه‌اش جز تذکر نباشد و وقتی پیامبر خدا ص اجازه فرمانروایی بر خلق خدا را نداشته باشد صلاحیت دیگر افراد کره زمین اعم از عالم و فقیه و سلطان و پادشاه و... در فرمانروایی بر خلق خدا به طریق اولی منسوخ است. مسلماً بر اساس این آیات هیچکس حق ندارد در زمان غیبت حتی تحکمی ساده بر مبنای دین به کسی بنماید. هیچ احدی به طریق اولی در دوران غیبت حق ندارد مدعی اجرای احکام اسلام و اجرای حدود و مجازات اسلامی یا دینی باشد. این نوع ولایت استیلانی (اساطیری) تا ظهور و خروج حضرت قائم عج در عالم بر هیچکس جایز نیست و فقط بر عهده قائم آل محمد ص بوده و از حضرتش جایز و قابل قبول است. و هر کس در این مسیر به اختیار خود و من عندی اقدام به اجرای حدود و احکام شرع نماید جز وزر و وبال چیزی بر گردن خود نخواهد کشید. در سوره قصص می‌فرماید: «این خانه آخرت را برای کسانی قرار دادیم که نه خواهان برتری جویی و نه فساد بر روی زمین بودند و سرانجام از آن پرهیزگاران است.»^{۱۲۸}

بر اساس این اصل در صحنه روابط بین‌الملل دولت اسلام چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ مجاز به سلطه‌جویی بر امم مسلم و یا غیرمسلم عالم نیست. در شرح این موضوع ذکر داستان فتح مکه جالب است. در این داستان^{۱۲۹} روش اسلام در مقابل دشمن مغلوب که سالها با پیامبر اکرم ص و یاران آن حضرت جنگیده و بسیاری از مسلمین و یاران گرامی حضرتش را یا در شکنجه یا در پیکار به شرف شهادت نائل نمودند مشخص است. سعد بن عباده سردار رسول اکرم ص با ستونی از سپاه اسلام هنگام ورود به مکه رجز می‌خواند که: «امروز روز انتقام است، امروز زنان آنان اسیر ما می‌شوند و امروز روزی است که قریش را خدا ذلیل گردانید». پیامبر اکرم ص سعد بن عباده را عزل فرمود و

^{۱۲۵} - سوره بقره، آیه ۲۷۰، وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ.

^{۱۲۶} - سوره غاشیه، آیات ۲۱ و ۲۲، فَذَكِّرْ إِنْ مَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.

^{۱۲۷} - سوره رعد، آیه ۷، إِنْ مَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.

^{۱۲۸} - سوره قصص، آیه ۸۳، تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

^{۱۲۹} - نگاه کنید به: مغازی و واقدی ج ۲ صص ۲-۸۲۱ و جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، صص ۸-۵۹۷.

فرزند او قیس بن سعد بن عباده را به فرمانداری و پرچمداری لشکر نصب فرمود و فرمود اعلام کن: «امروز روز رحمت است روزی است که خداوند قریش را عزیز قرار داد». پس از این رسول اکرم ص خانه ابوسفیان که منشاء اکثر فتن بر علیه حضرتش بود را مأمون قرار داد و فرمود هر که در خانه ابوسفیان پناه گیرد ایمن خواهد بود.^{۱۳۰}

مفهوم دیگری از سلطه‌جویی در آیاتی است که در مورد بغی نازل شده است. در تعریف بغی آمده است که: «مقصود از بغی مطلق بسط ید و حکومت و ریاست است و خدای تعالی آن را مقید به غیر حق بودن نموده است و بغی از بغی، بغیاً به معنی قدرتمند شدن است».^{۱۳۱} در این آیه آمده است که: «بگو پروردگار من زشتکاری‌ها را چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز گناهان و تسلط جستن بر دیگران (بغی) را به غیر حق حرام کرده است».^{۱۳۲} و در سوره یونس می‌فرماید: «در زمین به غیر حق بغی می‌کنند، ای مردم این تجاوز و سلطه‌جویی (بغی) بر خود شما خواهد بود».^{۱۳۳} علت این که آثار این گونه سلطه‌جویی‌ها و تجاوزات به ضرر خود مردم خواهد بود در این است که بر اساس اصول اقتصاد خرد بر مبنای استدلال ریاضی می‌توان اثبات کرد که هرگونه تجاوز یا محدودیت می‌تواند باعث کاهش رفاه جامعه بشری گردد. لذا در سوره نحل می‌فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان فرمان می‌دهد و از فحشاء و زشتکاری و بغی نهی می‌نماید».^{۱۳۴} در سوره شوری می‌فرماید: «مسئولیت بر کسانی است که به مردم ظلم می‌کنند و به غیر حق سلطه‌جویی و تجاوز (بغی) می‌کنند، بر ایشان عذابی دردناک خواهد بود».^{۱۳۵}

۶۱- اصل اکراه به جنگ

اسلام بر خلاف بسیاری از تعابیر دین جنگ نیست و اگر در مقاطعی ملزم به جنگ بوده به دلیل شرایط خاصی بوده است که به موارد آن در بخش‌های مختلف اشاره شد. در سوره بقره در شرح این دیدگاه می‌فرماید: «و آن هنگام که با شما پیمان نهادیم که خون هم مرزید و یکدیگر را از دیارتان آواره مسازید و گردن نهادید و خود بر آن گواه هستید، پس شما چنین جماعتی هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خان و مانشان آواره می‌کنید و بر ضد آنها به گناه و تعدی به همدستی یکدیگر برمی‌خیزید و اگر به اسارت شما درآیند در برابر آزادیشان فدیة می‌گیرید و حال آنکه بیرون راندنشان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از کتاب ایمان می‌آوردید و بعضی دیگر را انکار می‌کنید؟ پاداش کسی که چنین کند در دنیا جز خواری نیست و در روز قیامت به سخت‌ترین وجهی عذاب می‌شود و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست».^{۱۳۶} باز در جای دیگر در همین سوره می‌فرماید: «جنگ را بر شما مقرر کردیم حال

^{۱۳۰} - امین الإسلام طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ۱۰۸، ص: ۱۰۶، انتشارات دارالکتب الإسلامیة قم.

^{۱۳۱} - بیان السعاده فی مقامات العبادہ، جلد پنجم ترجمه، در ذیل آیه ۳۳ سوره اعراف، ص ۲۸۰.

^{۱۳۲} - سوره اعراف، آیه ۳۳، قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بَغْيِ الْحَقِّ.

^{۱۳۳} - سوره یونس، آیه ۲۳، يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ.

^{۱۳۴} - سوره نحل، آیه ۹۰، إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ.

^{۱۳۵} - سوره شوری، آیه ۴۲، إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

^{۱۳۶} - سوره بقره، آیات ۸۵ - ۸۴، وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ لَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ. ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِنْ يَأْتُواكُمْ أُسَارَى فَغَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَ فْتُوْمُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضٌ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.

آنکه آن را کریمه (زشت) دانید شاید چیزی را کریمه دانید و خیر شما در آن باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید که شری برای شما باشد، خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. تو را از جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند. بگو جنگ کردن در آن ماه گناهی بزرگ است اما بازداشتن مردم از راه حق و کافر شدن به او و مسجد الحرام و بیرون راندن مردمش از آنجا در نزد خداوند گناهی بزرگتر است و شرک از قتل بزرگتر است. آنها با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دیتان بازگردانند.^{۱۳۷}

علیرغم کراهت جنگ لزوم آن در موارد جلوگیری از فساد نیز قابل نفی نیست. در سوره بقره می‌فرماید: «اگر خداوند بعضی را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد.»^{۱۳۸} در آیه دیگری در سوره حج می‌فرماید: «آنها به ناحق از دیارشان رانده شده‌اند جز آن نبود که می‌گفتند: الله رب ماست و اگر خدا بعضی را بوسیله بعضی دفع نکرده بود، دیرها و کلیسیاها و کنشها و مسجدهائی که نام خدا زیاد در آن برده می‌شود ویران می‌گردید.»^{۱۳۹}

از لحاظ کلی جنگ‌ها در اسلام به چهار بخش جهاد اسلامی، دفاع در برابر متجاوز و یاری مظلوم و استنصار دینی تقسیم می‌شوند. حکم جهاد در اسلام و پاسخ به استنصار دینی مختص نبی ص و قائم آل محمد ص است و در اختیار دیگری نیست. اقسام دوم و سوم یعنی دفاع در برابر متجاوز و یاری رساندن مظلوم بر همه واجب است. و در حالات دیگر نمی‌توان به بهانه‌های متفاوت اقدام به تجاوز به دیگری با هر دین و مسلکی نمود. حتی تکفیر نیز ممنوع است چه رسد به حمله و تجاوز.

۶۲- اصل عدم جواز به حمله و جواز دفاع

دستور قرآن کریم بر اصلاح و صلح بین ملل است. بررسی جنگ‌هایی که در صدر اسلام اتفاق افتاد نشان می‌دهد که رسول اکرم ص و یاران آن حضرت در جنگ‌های متعدد درصدد احقاق حق خود بودند و هیچکدام از غزوات یا سریه‌ها در زمان رسول اکرم ص بدون این وجه نمی‌باشد و همه آنها جنگ‌هایی برای بازستاندن حقوق ناشی از ظلم قبلی به مسلمین بوده است. در اسلام ظلم ستیزی مجاز شناخته شده و بر این اساس قرآن می‌فرماید: «به آنان اجازه پیکار داده شد آنگاه که به آنها ستم کنند و بی‌تردید خداوند بر پیروزی آنان تواناست.»^{۱۴۰}

در سوره بقره می‌فرماید: «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و تعدی نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد.»^{۱۴۱} این آیه دستور دفاع است در مقابل آنان که به جنگ می‌پردازند و همچنین این آیه اجازه تعدی را نیز سلب فرموده چه «تعدی از ابتدا» یعنی تجاوز و شروع جنگ و چه «تعدی در میانه» جنگ یعنی بیش از آنکه لازم است به دشمن آسیب زده شود یا ادامه جنگ پس از آنکه ایشان تسلیم گشتند یا به اسیران آنها یا غیرنظامیان آنها

^{۱۳۷} - سوره بقره، آیات ۲۱۷-۲۱۶، كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. يَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ قُلْ قِتَالٌ فِيْهِ كَبِيْرٌ وَ صَدٌّ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ كُفْرٌ بِهٖ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اِخْرَاجِ اَهْلِهٖ مِنْهُ اَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ وَ الْقِتْلَةُ اَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْكُمْ حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ اِنْ اَسْتَطَاعُوْا.

^{۱۳۸} - سوره بقره، آیه ۲۵۱، وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ.

^{۱۳۹} - سوره حج، آیه ۴۰، الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ يَقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيْعٌ وَ صَلَوٰتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيْهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِيْرًا.

^{۱۴۰} - سوره حج، آیه ۳۹، اُوْدُنَ لِلَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ بِاَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ.

^{۱۴۱} - سوره بقره، آیه ۱۹۰، وَ قَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ.

تجاوز شود. حکم دفاع در این آیه نیز آمده است: «همچنان که مشرکان همگی به جنگ با شما برخاستند، همگی به جنگ با ایشان برخیزید.»^{۱۴۲} این آیه شریفه نیز جواز به دفاع و مقابله به مثل می‌فرماید: «ماه حرام در مقابل ماه حرام قرار دارد و در برابر (هتک) حرمت‌ها قصاص است پس کسی که به شما تجاوز کرد بر او همانند آنچه بر شما تجاوز کرده مقابله به مثل کنید و از خدا بترسید و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است.»^{۱۴۳} از این آیه استنباط می‌شود که اگر مال کسی را غضب کردند می‌تواند مالش را پس بگیرد یا تعدی به مثل نماید که تقاص نام دارد و همچنین این آیه بر قصاص به مفهوم تلافی و مقابله به مثل در برابر عمل جانی نیز دلالت دارد و بر دفاع در جنگ نیز مصداق می‌یابد و مشمول تقاص نیز می‌شود.^{۱۴۴}

حضرت امیر ع به معقل بن قیس ریاحی هنگامی که او را با سه هزار تن در مقدمه سپاه خود به شام می‌فرستد می‌فرماید: «از خدایی بترس که از دیدار او ناچاری، و جز آستانش پایانی نداری. جنگ مکن مگر با آن که با تو بجنگد... کینه آنان شما را و ندارد که جنگ را آغاز کنید پیش از آن که به راه راستشان بخوانید و در عذر را به رویشان فراز کنید.»^{۱۴۵}

این اصل از تهوّر در شروع جنگ‌ها می‌کاهد و از این باب رعایت آن در عرصه بین‌المللی بسیار مهم است. اینگونه اصول حتی اگر به صورت عرف بین‌المللی نیز مورد قبول جامعه جهانی قرار گیرد اثرات بسیار مطلوبی در تشنج‌زدایی خواهد داشت.

۶۳- اصل شدت بر خورد با متجاوز محارب

آیات زیادی درباره وظایف نبی ص و مؤمنین در جنگ‌ها نازل گردیده است. در آیه زیر برای انداز و تحدیر محاربین در محاربه با خدا و رسول او ص می‌فرماید که: «جز این نیست که کیفر کسانی که با خداوند و پیامبرش به ستیزه برمی‌خیزند و در زمین سعی به فساد می‌کنند این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان به طور مخالف قطع شود یا از آن سرزمین تبعید شوند این عذاب آنان در دنیاست و برای ایشان در آخرت عذاب بزرگی است.»^{۱۴۶} علیرغم این شدت عمل، مفرّ بسیار راحتی نیز برای این گروه در نظر گرفته است که در آیه بعد از آن می‌فرماید: «مگر کسانی که پیش از آنکه شما بر آنها دست یابید توبه کنند. پس بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است.»^{۱۴۷} معنی این دو آیه در پشت سر هم حامل این پیام به متجاوزین است که یا اقدام به تجاوز نکنید یا اگر کردید تنها راه حل شما دخول در اسلام است.

در سوره انفال می‌فرماید: «کسانی که تو از آنان پیمان گرفتی سپس پیمانی خویشت را می‌شکنند و هیچ پروا

^{۱۴۲} - سوره توبه، آیه ۳۶، وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً.

^{۱۴۳} - سوره بقره، آیه ۱۹۴، الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

^{۱۴۴} - نگاه کنید به ابوالقاسم گرجی (۱۳۸۰) آیات الاحکام (حقوقی و جزایی) نشر میزان صص ۷۳ - ۷۰.

^{۱۴۵} - نهج البلاغه، نامه ۱۲، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹. شرح نهج البلاغه، ۱۵، ۹۲، ۱۲.

^{۱۴۶} - سوره مائده: آیه ۳۳، إِذَا جَاءَ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَاتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ حِزْبِي فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.

^{۱۴۷} - سوره مائده آیه ۳۴، إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

نمی‌کنند پس اگر آنها را در جنگ بیای پراکنده‌شان ساز تا پیروانشان نیز پراکنده شوند، باشد که عبرت گیرند. اگر می‌دانی که گروهی در پیمان خیانت می‌ورزند به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد زیرا خدا خائنان را دوست ندارد. مپندارید که آنان که کافر شده‌اند پیشی گرفته‌اند، زیرا خدا را ناتوان نمی‌سازند. و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان جنگی فراهم نمائید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها که نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد را بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی شما باز گردانده شود و به شما ستم نشود. و اگر به صلح گرایند تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن که اوست شنوا و دانا و اگر خواستند تو را بفریبند خدا برای تو کافی است. اوست که تو را به یاری خویش و یاری مؤمنان تأیید کرده است و دل‌هایشان را به یکدیگر مهربان ساخته. اگر تو همه آنچه را که در روی زمین است انفاق می‌کردی دل‌های ایشان را به یکدیگر مهربان نمی‌ساختی ولی خدا دل‌هایشان را به یکدیگر مهربان ساخت که او پیرومند و حکیم است. ای پیامبر، خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند تو را بسند. ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیزان که اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند بر دویست تن غلبه خواهند یافت و اگر صد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌شوند. زیرا آنان مردمی عاری از فهمند. اکنون خدا بار از دوستان برداشت و به ناتوانانی‌تان آگاه است. اگر از شما صد تن باشند و در جنگ پای فشردن بر دویست تن پیروز می‌شوند و اگر از شما هزار تن باشند به یاری خدا بر دوهزار تن پیروز می‌شوند، و خدا با آنهاست که پایداری می‌کنند. برای پیامبر شایسته نیست که تا می‌تواند کشتار کند اسیر بگیرد. شما متاع این دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد خدا عزیز حکیم است. (اشاره به این است که نباید در جنگ و قتال سهل‌انگاری شود تا بلکه دشمنان را اسیر گیرند و بعد با اخذ فدیة آزاد کنند یا به عنوان برده بفروشند بلکه باید در جنگ با شدت عمل جنگید و کشت. همانطور که اسرائی که در جنگ بدر با فدیة آزاد شدند در سال بعد در جنگ احد مؤمنین را کشتند). اگر پیش از این از جانب خدا حکمی نشده بود به سبب آنچه گرفته بودید عذابی بزرگ به شما می‌رسید. از آنچه غنیمت گرفته‌اید که حلال است و پاکیزه بخورید و از خدا بترسید هر آینه خدا آمرزنده مهربان است. ای پیامبر به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خدا در دل‌هایتان نشان ایمان ببیند بهتر از آنچه از شما گرفته شده ارزانتان خواهد داشت و می‌آمرزدتان و خدا آمرزنده و مهربان است و اگر قصد خیانت به تو را داشته باشند پس به تحقیق که اول به خدا خیانت ورزیده‌اند و خدا تو را بر آنها نصرت داده است که خدا دانا و حکیم است.»^{۱۴۸}

در آیات دیگری در سوره بقره می‌فرماید: «با کسانی که با شما جنگ می‌کنند در راه خدا بجنگید و تعدی مکنید

^{۱۴۸} - سوره انفال، آیات ۵۶-۷۱، الَّذِينَ عَاهَدتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ. فِيمَا تَفَقَّهْتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدْتَهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ. وَإِنَّمَا تَخَافَنْ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ. وَلَا يُحْسِنُ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ. وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ. وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بُنْصُورَهُ وَبِالْمُؤْمِنِينَ. وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. أَلَا نَحْفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَاعْلَمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُنَجِّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمُ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُحِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمَّا كُنْ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

زیرا خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد و هر جا که آنها را بیابید بکشید و آنها را بیرون کنید همانگونه که شما را بیرون کردند و فتنه از قتل بدتر است و در مسجد الحرام با آنها مجنگید مگر آنکه با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان که این پاداش کافران است و اگر باز ایستادند خدا آمرزنده و مهربان است. با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین برای خدا باشد ولی اگر از آیین خویش دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.^{۱۴۹}

سیاست تنبیه متجاوز نه تنها تأدیب اوست بلکه تنبیه سایرین نیز هست که اقدام به تجاوز نمایند. برخوردهای شدید از این نوع همانند قصاص موجب حیات جامعه بشری خواهد بود. اگر جامعه بین‌الملل بر اساس این دستور با متجاوز محارب برخوردی شدید و از این نوع نماید، جامعه بشریت به صلح خواهد گرائید.

۶۴- اصل وجوب یاری در نیکی و ممنوعیت یاری در تجاوز

مبنای این اصل آیه شریفه‌ای است در سوره مائده که می‌فرماید: «در نیکوکاری و پرهیزگاری همکاری کنید و در اثم و عدوان یاری نکنید و بترسید از خدا که همانا خداوند سخت عقوبت دهنده است.»^{۱۵۰} در تفسیر این آیه می‌فرماید^{۱۵۱}: «اثم بدی کردن است که به غیر تعدی نشود و عدوان بدی کردن است که به غیر تعدی شود.» لذا این آیه در مجموع هر معاونت که سبب شود بدی به خود یا دیگری رسد را ممنوع می‌نماید.

و می‌فرماید: «ظالمان را هیچ یآوری نیست.»^{۱۵۲} «و بر ظالمان نه ولی است و نه نصیر»^{۱۵۳} در معنی ولی و نصیر در ذیل آیه «آیا نمی‌دانند که پادشاهی آسمان‌ها و زمین برای خداست و شما را غیر خدا ولی و نصیری نیست»^{۱۵۴} این آیات چون اذعان بر این دارند که یآوری برای ظالم نیست پس خلاف این امر نباید رفتار شود یعنی مؤمنین و مسلمین نباید عملی انجام دهند که ناقص حکم کلی فوق باشد یعنی نباید یار ظالم باشند.

این اصل در عملکرد سیاست خارجی کشورها و اتحادهای نامیمون برخی قدرت‌های بزرگ در تجاوز به کشورهای ضعیف نمود بارزی دارد. بسیار دیده شده که کشورهای بسیاری در یاری رساندن به یکی یا حتی دو یا بیشتر یا حتی به همه طرفهای درگیر در جنگ به دلیل منافع احتمالی فعلی یا آتی خود یا به دلیل ناخوشایندی از ایدئولوژی کشور مظلوم اقدامات یاورانه گسترده‌ای نموده‌اند. به هر تقدیر در تمام جنگ‌های واقع شده در عالم همواره عده‌ای هستند که از بروز آتش بین ملل مختلف سود می‌برند. بر اساس تعالیم اسلام سودی که از این یآوری نصیب گردد نامشروع است و دولت اسلام نه تنها انتفاع از این حمایت را به خود نمی‌پسندد بلکه از عقوبت سخت خداوند در یاری به متجاوز نیز در هراس است و دیگران را نیز از این حرام‌خوارگی می‌ترساند.

^{۱۴۹} - سوره بقره آیات ۱۹۳ - ۱۹۰، وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَ أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أَخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.

^{۱۵۰} - سوره مائده آیه ۲، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

^{۱۵۱} - بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ، ترجمه، ج ۴، صص ۲۸۱-۲۸۰.

^{۱۵۲} - سوره آل عمران، آیه ۱۳ و سوره مائده آیه ۷۲ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ. در سوره حج، آیه ۷۱ و سوره فاطر آیه ۳۷ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ.

^{۱۵۳} - سوره شوری، آیه ۸، وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ.

^{۱۵۴} - سوره بقره، آیه ۱۰۷، أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ.

۶۵- اصل مبتنی بودن استراتژی و تاکتیک‌های جنگی بر نظر صاحب اجازه

تا قبل از پیشرفت‌های صنعتی قرون اخیر، موفقیت‌های چشمگیری در حقوق بین‌الملل در زمان جنگ بدست آمده بود ولی عملکرد نظام‌های سیاسی بالاخص غرب در قرن اخیر و فساد ناشی از قدرت تسلیحات صنعتی از اهمیت بسیاری از موازین و ضابطه‌های حقوقی بین‌المللی کاست. احترام به این قواعد در ازمنه قدیم به حدی بود که راهزنان و دزدان حرفه‌ای نیز به این اصول احترام می‌گذاشته و رعایت می‌کردند. برای مثال در میان قبائل عرب باتفاق به تصویب رسیده بود که در ماههای ذیقعد و ذیحجه و محرم و رجب که ماههای حرام نام گرفته بود به یکدیگر تجاوز نمایند و لذا در این ۴ ماه رفت و آمد، تجارت و روابط بین قبائل آزادانه و در امنیت صورت می‌پذیرفت ولی در غیر این چهارماه با تجاوز و شیخون به یکدیگر، کاروانها و منازل یکدیگر را به غارت می‌بردند و حتی به برده گرفتن زنان و مردان می‌پرداختند. این احترام به توافق عمومی در عدم تجاوز بین‌المللی در قرون نوزده و بیست و بیست و یکم حتی به حد احترام راهزنان اعراب جاهلیت به ماههای حرام نیز نمی‌باشد.

در اسلام جنگ منطبق با مفاهیمی است که منبعث از ایدئولوژی اسلامی می‌باشد. جنگ و لشگرکشی برای تجاوز به مالکیت و حقوق مسلم دیگران - که تصرف عدوانی و غضب خوانده می‌شود- در اسلام جائی از اعراب ندارد. در اسلام جنگ منطبق با مفاهیم دفاع و یا جهاد و یا یاری به ستمدیدگان و یا پاسخ به استنصار دینی است. دفاع، عبارت از مقابله و جنگ در پاسخ به تجاوز است که در حقوق بین‌الملل معاصر از آن به عنوان دفاع مشروع یاد می‌شود. جهاد مبتنی بر امر نبی یا ولی یا وصی هر زمان است که بر اساس امر او مؤمنین و مسلمین ملزم به شرکت در جنگ هستند. جهاد هم می‌تواند در دفاع باشد و هم در حمله. اختیار جهاد با اولی‌الامر است که اذن او باید معنعن به معصوم ع برسد و اولی‌الامر، نبی یا ولی یا وصی زمان است. در غیر این صورت هیچ فرد دیگری بدون این اذن و اجازه حق صدور حکم جهاد ندارد. چه که اختیار بندگان خدا در دست نماینده خدا است نه دیگری. بدین ترتیب رؤسای حکومت‌ها که به بهانه‌های مختلف افراد مملکت خود یا مملکت حریف را به کشتن می‌دهند همه در این امر مسؤول هستند و باید پاسخگو باشند که شما به چه اجازه‌ای و با چه مجوزی از خداوند باعث شدید یا خلق را وادار کردید که کشته شوند یا بکشند. آیا خداوند فرموده بود که بندگان مرا بکشید یا به کشتن دهید یا از روی خیال خود اقدام به این امر کردید؟ بزرگ وقت در هر زمان با توجه به مصالح بشریت و به اذن خدا اگر صلاح دید دستوراتی در این باب صادر می‌فرماید و گرنه استفاده از جهل مسلمین و صدور دستور جهاد برای سایرین حرام و مداخله فضولی در کار خداست. حکم جهاد مانند سایر احکام و حدود الهی در اختیار اولوالامر است که از طرف خدا و رسول او ص و ائمه هدی ع اذن معنعن دارد و هر کسی حکمی بجز امر او دهد کافر و ظالم و فاسق است. قرآن کریم می‌فرماید: «کسی که به آنچه خداوند حکم کرده حکم نکند کافر است.»^{۱۵۵} و در دنباله می‌فرماید ظالم است^{۱۵۶} و در دنباله می‌فرماید فاسق است^{۱۵۷} و این موضوع را خداوند به دلیل اهمیت آن سه بار در قرآن کریم پشت سر هم تکرار فرموده است. همینطور که در سوره نحل می‌فرماید: «با شرح و توصیف (استدلالات) زبانتان به دروغ نگوئید که این حلال و آن حرام است تا به خدا دروغ و افترا ببندید

^{۱۵۵} - سوره مائده آیه ۴۴، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

^{۱۵۶} - سوره مائده آیه ۴۵، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

^{۱۵۷} - سوره مائده آیه ۴۷، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

همانا کسی که بر خداوند دروغ و افترا بندد رستگار نمی‌شود.^{۱۵۸} و این گروه مشمول این آیه می‌باشند که: «کیست ظالم‌تر از آن کس که به خداوند دروغ بندد یا آیاتش را تکذیب کند»^{۱۵۹} متأسفانه بر خلاف عقیده شیعه که فوقاً ذکر برادران اهل سنت بر این باورند که هرگاه قدرت مسلمانان به اندازه کافی زیاد شد بر آنان واجب است که اقدام به جنگ و تبلیغ اسلام نمایند.^{۱۶۰} این عقیده غلط در زمان‌های اخیر حتی باعث شده که بسیاری از کشورهای مسلمان با این بهانه به یکدیگر تجاوز نمایند و اینگونه تجاوزات در اسلام حرام است.

حمایت از مظلوم یا ملل ستم‌دیده نیز از وظایف اسلام و مسلمین است. این حمایت به موجب این آیه شریفه می‌باشد: «چرا در راه خدا و ناتوانان از مردان و زنان و فرزندان که می‌گویند ای پروردگار ما را از این شهری که مردمانش ظالمند رهائی ده نمی‌جنگید.»^{۱۶۱}

پاسخ به استنصار دینی نیز در حیطة رفع ظلم از مظلوم یا جهاد مطرح است. پاسخ به استنصار دینی در اسلام برای همه واجب است که می‌فرماید: «اگر در دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید.»^{۱۶۲} ولی مشروعیت آن در مراتب ایمان منحصراً منوط به امر اولوالامر است. زیرا دین فقط باید توسط مأمور و مأذون الهی به دیگران عرضه شود و نه غیر، که می‌فرماید «آنکه خدا هدایتش کند پس هدایت شد و آنکه گمراه شد پس هرگز ولیّ مرشد را نیافت.»^{۱۶۳} یعنی پاسخ به استنصار دینی افراد وظیفه سبیل الهی است، زیرا که استنصار دینی افراد مجاهده‌ای برای یافتن این سبیل یا راهنمای الهی است. لذا فرمود: «و آنان که در راه ما مجاهده کنند حتماً و حتماً آنها را به سبیل خویش هدایت می‌کنیم.»^{۱۶۴}

مباحث بسیاری نیز در ارتباط با حقوق جنگ در اسلام مطرح می‌گردد که بسیاری از آنان حجیت ندارد و استنباط موثق از روئے رسول اکرم ص نیست. برای مثال مباحث بسیاری در مورد وحدت فرماندهی، پایداری و استقامت، عقب نشینی، وجوب کفائی شرکت در جنگ، آمادگی رزمی و بسیج همگانی، رفتار با دشمن و حسن رعایت مسائل حقوق بشر در جنگ و حمله‌های جنگی و کشتار نظامیان و نظامیانی که مجبور به شرکت در جنگ شده‌اند، حقوق غیرنظامیان، تسلیم شدگان، فراریان، اسلام آوردندگان، مجروحان و اسیران جنگی، هدفهای غیرنظامی، محاصره اقتصادی، تخریب اموال دشمن، استعمال تاکتیک‌های جنگی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و تشعشعی و اتمی، امان در جنگ، غنیمت جنگی اعم از منقول و غیر منقول، ترک مخاصمه، انعقاد پیمان‌های مکمل و بسیاری موارد دیگر از حقوق بین‌الملل در جنگ‌ها پذیرفته شده است که بر پایه اسلام و در بسیاری از مذاهب اسلامی مطرح و مورد پذیرش قرار گرفته و رویه‌های

^{۱۵۸} - سورة نحل، آیه ۱۱۶. وَ لَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمْ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ.

^{۱۵۹} - سورة اعراف آیه ۳۷، فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ.

^{۱۶۰} - در این ارتباط نگاه کنید به مجید خدوری (۱۳۳۵) جنگ و صلح در قانون اسلام، چاپ اقبال، صص ۱۰۴ - ۱۰۲ به نقل از محمد رضا ضیائی بیگدلی (۱۳۷۵) اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ کتابخانه گنج دانش.

^{۱۶۱} - سورة نساء، آیه ۷۵، وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا.

^{۱۶۲} - سورة انفال آیه ۷۲: وَ إِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ التَّصَرُّ.

^{۱۶۳} - سورة كهف، آیه ۱۷، مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا.

^{۱۶۴} - سورة عنكبوت، آیه آخر، وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا.

عملی و اجرایی نیز برای آنها مشخص و استخراج شده است.^{۱۶۵} درباره این گونه موضوعات باید گفت که بسیاری از آنها در ارتباط با اصول انسان دوستانه اسلام هستند که در جنگ‌ها نیز لازم‌الرعايه هستند و مسلم است که تابعین نبی یا ولی یا وصی ع نیز ملزم به رعایت آنان می‌باشند. برای مثال عدم جواز به حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان از موارد لازم‌الرعايه هستند و هر عقل سلیمی حکم به انسانی بودن این ممنوعیت می‌کند. دیگر موارد در ارتباط با مسائل واقع در صحنه جنگ است و اتخاذ تصمیم در آنها از موارد منوط به تصمیم نبی یا ولی یا وصی ع است. به عبارت دیگر اولی الامر حق دارد تصمیم بگیرد و این موضوعات به اجتهاد افراد قابل حل و فصل نیست.

۶۶- اصل اجبار در پذیرش پیشنهاد صلح

دستور اسلام در جنگ‌ها همواره حداقل برخورد و پیکار می‌باشد به عبارت دیگر جواز جنگ تا حصول حداقل موفقیت در خوابانیدن فتنه و تجاوز است و بیش از آن مجاز شناخته نشده است. این آیه در این موضوع صراحت دارد که: «در راه خدا به کارزار پردازید با آنها که با شما به کارزار می‌پردازند ولی (بیش از لزوم) تعدی ننمائید که خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد.»^{۱۶۶} این آیه مبین این است که خداوند می‌فرماید همانا هرآنچه که خلق کردم را دوست دارم و شما (مؤمنین) حق ندارید بیش از حد لازم به آنها آسیب بزنید. در آیه دیگر خطاب به رسول اکرم ص است که «اگر به صلح گرویدند پس با آنها صلح کن.»^{۱۶۷} این آیه می‌رساند که اگر تو بر آنها هم غلبه داشتی در صورت درخواست صلح یا تسلیم شدن به آنان تعدی و ظلم نکن و صلح کن که مقصود تو از جنگ همان صلح بوده است. بطور کلی آیه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید جملگی در صلح وارد شوید.»^{۱۶۸} دستور به قبول پیشنهاد صلح است و لذا ورود در صلح وظیفه همه مؤمنین (و مسلمین) است. به هر حال اگر در جنگ صلح را نپذیرفتند مشمول این آیه خواهند شد که: «اگر بیطرفی اتخاذ نکنند و اگر خواهان صلح نشدند و اگر دست درازی به شما کردند هر جا که آنها را یافتید با آنها کارزار کنید.»^{۱۶۹} این آیه تهدیدی است بر آنان که صلح نکنند. یعنی اگر کسی اقدام به تجاوز کرد باید با او جنگید تا درخواست صلح کند یا صلح را بپذیرد و سیاست اعتزال یا بیطرفی در مداخله در امور دیگران پیش گیرد.^{۱۷۰} در آیه قبل از این آیه می‌فرماید: پس هرگاه کناره گرفتند و با شما جنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند خداوند هیچ راهی را برای شما بر ضد آنان مجاز نمی‌نماید. یعنی اگر درخواست صلح کردند حق ندارید به کارزار با آنها ادامه

^{۱۶۵} - نگاه کنید به اسلام و حقوق بین الملل، محمد رضا ضیائی بیگدلی، صص ۱۷۲ - ۱۱۶.

^{۱۶۶} - سوره بقره، آیه ۱۹۰: وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

^{۱۶۷} - سوره انفال، آیه ۶۱: وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا.

^{۱۶۸} - سوره بقره، آیه ۲۰۸، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً. در بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ در ذیل کلمه كَافَّةً آمده: كَافَّةً یعنی جمیعاً و آن حال است از فاعل ادْخُلُوا یا حال از سَلِّم است به معنی دخول در جمیع مراتب سلم. ممکن است اسم فاعل از کف باشد به معنی منع و تاء آن برای مبالغه است و در این صورت، حال از سلم می‌شود، یعنی داخل شوید در سلم در حالی که دخول در سلم شما را از خروج منع می‌کند، یا از زشتی نقص منع می‌کند.

^{۱۶۹} - سوره نساء، آیه ۹۱، فَإِنْ لَمْ يَعْزِلُوا فَجَنَحُوا لَكُمْ وَ يُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ وَ يُكْفُوا إِلَيْهِمْ فَأَخَذُوا مِنْهُمُ فَاصْلَوْهُمْ حَيْثُ نَقَفْتُمُوهُمْ.

^{۱۷۰} - در سوره محمد، آیه ۳۵، می‌فرماید: مبادا سستی نمایند و به صلح فرا خوانید و شما برترید و خدا با شماست. فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ. در این آیه اشاره به این است که مؤمنین از روی سستی درخواست صلح ننمایند. بلکه باید غالب شوند تا دشمن درخواست صلح نماید پس بپذیرند.

دهید.^{۱۷۱} پس به طور کلی باید اذعان داشت که مبنای حکومت اسلام بر صلح جویی استوار است. خداوند متعال در سوره نساء می‌فرماید: «و صلح بهترین است.»^{۱۷۲} گرچه این آیه در روابط بین زن و شوهر نازل شده است ولی شبه جمله‌ای است که تا سطوح روابط بین‌الملل نیز قابل تسری است.

علی ع در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: ای مالک، صلحی را که دشمن، تو را به آن دعوت می‌کند رد نکن، آن صلحی که رضای خدا در آن باشد... بعد از این که صلح نمودی، باید مراقب و مواظب باشی. که چه بسا دشمن بخواهد با پیشنهاد صلح تو را غافلگیر کند و به دام اندازد. یا بخواهد با این حربه خود را آماده نماید، تا در فرصت مناسب دیگری جنگ را شروع کند تا تو را شکست دهد. پس ضمن این که به قبول صلح توصیه می‌شود، باید هوشیار و آگاه باشی تا فریب نخوری. دوراندیشی و دقت و آینده‌نگری را در پیش بگیر، و با موضوعات جنگ ساده برخورد مکن و نتایج ناشی از قبول صلح را به دقت ارزیابی کن و در این باب خوش‌بینی را کنار بگذار، زیرا که دشمن، دشمن است...»^{۱۷۳} همین استثناء و تذکر در قرآن آمده است و در سوره انفال می‌فرماید: «کسانی که تو از آنان پیمان گرفتی سپس پیمانی خویشت را می‌شکنند و هیچ پروا نمی‌کنند پس اگر آنها را در جنگ بیایی پراکنده‌شان ساز تا پیروانشان نیز پراکنده شوند، باشد که عبرت گیرند. اگر می‌دانی که گروهی در پیمان خیانت می‌ورزند به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد زیرا خدا خائنان را دوست ندارد. میندازد که آنان که کافر شده‌اند پیشی گرفته‌اند، زیرا خدا را ناتوان نمی‌سازند. و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان جنگی فراهم نمائید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها که نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد را بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی شما باز گردانده شود و به شما ستم نشود. و اگر به صلح گرایند تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن که اوست شنوا و دانا و اگر خواستند تو را بفریبند خدا برای تو کافی است.»^{۱۷۴}

همانطور که ذکر آن رفت جنگ در اسلام هدف نیست. گرچه برای بسیاری از قدرتهای بزرگ یا دلایان آنها از بزرگترین وسیله‌های تولید منافع در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. اسلام مگر به لازم و برای اعتلای بشریت و اهداف انسانی یا احقاق حق یا دفاع از خود و مظلومین جنگ را لازم نمی‌داند. و این برعکس رویه سوداگرانی است که از جنگها و طولانی شدن آن چه در هنگام کارزار و چه بعد از اختتام آن منتفع می‌شوند. براساس این اصل هرگاه متجاوز درخواست صلح بدون نیت فریب داشته باشد پذیرش آن توسط دولت اسلام فرض خواهد بود چه که اسلام برای ایجاد و توسعه دوستی آمده که فرمود: «آیا دین به جز دوستی است.»^{۱۷۵}

۱۷۱ - سوره نساء، آیه ۹۰، فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا.

۱۷۲ - سوره نساء آیه ۱۲۸. وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ.

۱۷۳ - فرمان به مالک اشتر، نامه ۵۳ نهج البلاغه. مستدرک الوسائل، ۱۱، ۴۳، ۱۸- باب جواز إعطاء الأمان ۱۲۳۸۷-۱.

۱۷۴ - سوره انفال، آیات ۶۲-۵۶، الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ. فِيمَا تَفَقَّهْتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ. وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ. وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِيَّاهُمْ لَا يُعْجِزُونَ. وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ. وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخُدُّوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ.

۱۷۵ - الكافي، ۸، ۷۹، وصية النبي صلى الله عليه و آله لأمي، ۳۵.

۶۷- اصل عدم جواز به اسارت دشمن پس از خاتمه جنگ

در جنگ قواعد جنگ باید رعایت شود و در صلح قواعد صلح. با نیروی دشمن هنگام تجاوز باید به شدت تمام مقابله کرد ولی وقتی که متجاوز سرکوب شد و نیروی دشمن به اسارت درآمد دیگر جوازی برای نگهداری اسرا نیست و باید آنها را یا رها نموده یا پس از دریافت فدا آزاد نمود. قرآن کریم می‌فرماید: «پس چون با کسانی که کفر می‌ورزند در جنگ درگیر شدید گردن آنان را بزنید تا به خون آغشته شوند پس اسیرشان کنید و محکم ببندید تا جنگ پایان یابد بعد از آن یا به منت آزاد کنید یا به فدیة.»^{۱۷۶} به هر حال شیوه پادشاهان در تصرف و فتح کشورها را قرآن مذمت می‌نماید. می‌فرماید: «پادشاهان وقتی قریه‌ای را فتح می‌کنند تباهش می‌سازند و اهلس را خوار می‌سازند و این چنین می‌کنند.»^{۱۷۷} از کلمات قصار امیر مؤمنان است که می‌فرماید: «اگر بر دشمن دست یافتی بخشیدن او را سپاس دست یافتن بر وی ساز.»^{۱۷۸}

لازم به ذکر است که جهاد در اسلام متفاوت از جنگهایی است که حکومت‌های اسلامی (که نام اسلام را دارند و تحت انقیاد نبی یا ولی یا وصی ع نیستند) در آن درگیر می‌شوند. در جهاد اسلامی دولت اسلام به فرماندهی نبی یا ولی یا وصی ع قرار دارد و این دولت در صدر اسلام در فرماندهی رسول خدا ص بود و در ازمنه دیگر به اختیار قائم آل محمد ص است. و فرد دیگری غیر از حضرتش در مقام صدور امر جهاد نیست. بواسطه همین است که در اسلام جهاد را فقط مختص به زمان ظهور حضرت قائم ع کرده‌اند. در صدر اسلام در جهاد اسلامی اسرا را به بردگی می‌گرفتند که دلایل خاص اجتماعی داشت که در مبحث عدم مصداق بردگی در این زمان به آن پرداخته شد.

۶۸- اصل عدم جواز به شکنجه و آزار اسرای دشمن

بطور کلی آزار اسرای دشمن و حتی سایر مجرمین به مثابه تعدی تلقی می‌شود که درباره ممنوعیت آن در مباحث مختلف صحبت شد. در سوره بقره می‌فرماید: «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و تعدی نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد.»^{۱۷۹} خطاب به رسول اکرم ص است که می‌فرماید: «و از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن و وکیل بودن خدا کافی است.»^{۱۸۰}

در قواعد جزائی اسلام مجازات وجود دارد ولی شکنجه و آزار دشمن به هیچ وجه مجاز نشده است. بلکه شکنجه دهنده یا آزار دهندگان همه خود مستحق مجازات خواهند بود. مراد از قوانین جزائی اسلام آن گروه مجازاتی است که در شرع اندازه آن بیان شده و تعزیر به آن مجازاتی اطلاق می‌شود که در شرع اندازه آن مشخص نشده است.^{۱۸۱} حبس از مجازات ثانوی است. حبس شرعی به تعبیری جلوگیری از آزادی عمل و رفت و آمد و توقف فرد یا محدود نمودن او در امور و کارها است و واجب است از هر نوع اذیت به دور باشد.^{۱۸۲}

^{۱۷۶} - سوره محمد، آیه ۴. فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنتَحْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً.

^{۱۷۷} - سوره نمل، آیه ۳۴. إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ.

^{۱۷۸} - نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص ۳۶۲.

^{۱۷۹} - سوره بقره، آیه ۱۹۰. وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

^{۱۸۰} - سوره احزاب، آیه ۴۸. وَ لَا تَطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ دَعْ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً.

^{۱۸۱} - جعفر سبحانی (۱۳۶۲) مبانی حکومت اسلامی، جلد دوم، ص ۴۳۰، انتشارات توحید، قم.

^{۱۸۲} - الاحكام السلطانيه و الولايات الدينيه، ماوردی.

از لحاظ اسلام بزرگترین جرائم قتل اولیاء الهی است. نحوه برخورد علی ع با قاتل خود روش برخورد با مجرم و اسیر را به ما می آموزد. حضرتش دستور فرمود: «این اسیر را زندانی نمانید و به او غذا بدهید و با او خوشرفتاری نمانید.»^{۱۸۳} موارد حبس به عنوان تعزیر در شریعت اسلام از حدود سیزده یا کمی بیشتر تجاوز نمی کند.^{۱۸۴} در سوره بروج می فرماید: «همانا کسانی که مؤمنین و مؤمنات را اذیت (شکنجه) کردند سپس توبه نکردند عذاب جهنم و آتش برای آنهاست.»^{۱۸۵} به هر حال قرآن کریم تشویق می فرماید که از همان غذایی که خود می خورید به اسیران نیز از همان طعام بدهید. در سوره انسان درباره نیکان می فرماید: «و طعام را در حالی که خود (گرسنه اند و) به آن میل دارند به مسکین و یتیم و اسیر می خوراندند.»^{۱۸۶} معنی آن این است که در حفظ و نگهداری اسیر، اسرا را به خود ترجیح می دهند و حتی خوراک مورد علاقه خود را به آنها می دهند.

حضرت امیر ع در سفارش به سپاهیان خود، پیش از دیدار دشمن در جنگ صفین می فرماید: «با آنان مجنگید، مگر به جنگ دست یازند. چرا که به حمدالله حجت با شماست، و رها کردنشان تا دست به پیکار گشایند حجتی دیگر برای شما بر آنهاست. اگر به خواست خدا شکست خوردند و گریختند، آن را که پشت کرده مکشید و کسی را که دفاع از خود نتواند آسیب مرسانید، و زخم خورده را از پا درمیارید. زنان را با زدن بر میانگیزانید هر چند آبروی شما را بریزند یا امیرانتان را دشنام گویند، که توان زنان اندک است و جانشان ناتوان و خردشان دستخوش نقصان. آنگاه که زنان در شرک به سر می بردند مأمور بودیم دست از آنان بازداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوبدستی بر زنی حمله می برد، او و فرزندان را که از پس او آیند بدین کار سرزنش می کردند.»^{۱۸۷} در کتب روایی منجمله اصول کافی^{۱۸۸} و وسائل الشیعه^{۱۸۹} و مستدرک الوسائل^{۱۹۰} بابی در استجاب اطعام زندانی و مراقبت با اسیر وجود دارد که مملو از اخبار در این زمینه می باشند.

بسیار دیده می شود که برای تحت فشار قراردادن نیروهای مقابل درگیر در جنگ، دولت‌ها از اسرا به عنوان ابزاری برای فشار به طرف مقابل استفاده می نمایند. مثلاً با آنها بدرفتاری کرده یا شکنجه می کنند و یا می کشند. همانگونه که بر اساس این اصل آزار اسیر ممنوع است، به طریق اولی قتل یا قصاص اسیر به جرم حملات جدید یا اخیر دشمن نیز ممنوع می باشد. یعنی نمی توان برای تلافی حمله دشمن اسرایی از دشمن که در تک و پاتک‌ها و یا پیکارهای قبلی به اسارت گرفته شده را قصاص کرد و یا کشت و یا شکنجه نمود. به عبارت دیگر از اسیر نمی توان در حین جنگ استفاده نمود چون او نیز انسانی است که مقهور دولت اسلام است و رویه دولت اسلام با مقهور خود همان رویه‌ای است که مسلمین از

^{۱۸۳} - مستدرک الوسائل، ۱۱، ۷۸، ۳۰-۱۲۴۶۷-۱.

^{۱۸۴} - جعفر سبحانی، همان، ص ۴۳۱.

^{۱۸۵} - سوره بروج، آیه ۱۰، إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ.

^{۱۸۶} - سوره انسان، آیه ۸، وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا.

^{۱۸۷} - نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه ۱۴، ص ۲۸۰، بحار الأنوار، ۳۳، ۴۵۸، باب ۲۸-۶۷۴- نهج، [نهج البلاغه]

^{۱۸۸} - الکافی ج: ۵ ص: ۳۵، بَابُ الرَّقْقِ بِالْأَسِيرِ وَ إِطْعَامِهِ.

^{۱۸۹} - وسائل الشیعه ج: ۱۵ ص: ۳۲۹۱- بَابُ اسْتِجَابِ الرَّقْقِ بِالْأَسِيرِ وَ إِطْعَامِهِ وَ سَقْيِهِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرًا يُرَادُ قَتْلُهُ مِنَ الْعَدُوِّ وَ أَنْ إِطْعَامَهُ عَلَىٰ مَنْ أَسْرَهُ وَ يُطْعَمُ مَنْ فِي السَّجْنِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ: ۲۰۰۵۰

^{۱۹۰} - مستدرک الوسائل ج: ۱۱ ص: ۳۰ ۷۸- بَابُ اسْتِجَابِ الرَّقْقِ بِالْأَسِيرِ وَ إِطْعَامِهِ وَ سَقْيِهِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرًا يُرَادُ قَتْلُهُ وَ أَنْ إِطْعَامَهُ عَلَىٰ مَنْ أَسْرَهُ وَ يُطْعَمُ مَنْ فِي السَّجْنِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ: ۱۲۴۶۷- ۱

قاهر عالم یعنی خداوند متعال انتظار دارد که با آنها رفتار نماید.

۶۹- اصل عدم جواز در تجارت و اقدامات ضد بشریت و ضد محیط زیست

این اصل یکی از اصول پر اهمیت سیاست خارجی اسلام است. هدف اسلام اعتلای بشریت و علو درجات انسانیت است. این اعتلا هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت مد نظر شارع مقدس اسلام قرار دارد. برای حصول این هدف یعنی اعتلای بشریت علی القاعده باید اکوسیستمی که بشر عضوی از آن است حفظ گردد. لذا شارع مقدس توجه خود را به حفظ حیوانات و نباتات نیز معطوف کرده است. با کمی دقت و موشکافی در احکام اسلامی حتی درباره مسائل بسیار جزئی و فرعی می توان دریافت که یک جنبه از احکام شارع مقدس حفظ حقوقی است که افراد در ارتباط با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر هر فرد منبع تشکیل دهنده حق برای دیگری است. مثلاً مرد منبع تلذذات جنسی برای زن است و بلعکس. لذا مرد از لحاظ یک عضو اکوسیستم محق نیست با امساک از ازدواج حق زنان را پایمال کند. این موضوع اگرچه امر و نهی شرعی به معنای اجبار ندارد ولی اشارات ظریف احکام شرع استحباب آن را کمتر از وجوب بیان نمی کند. می نویسد^{۱۹۱}: «از حضرت صادق ع پرسیدند که چرا حد در زنا صد تازیانه است و در شراب هشتاد تازیانه و چگونه زنا بدتر شد؟ فرمود: به جهت تضييع نطفه و گذاشتن او را در غیر موضعی که خدا فرمود که حرث شما است. و در فقه الرضا است که حضرت رسول ص فرمود که لواط حرام شده به جهت آنچه که در اوست از فساد و بطلان حق زنها که خداوند ترغیب بر آنها کرده. و معلوم است که حکمت در حرمت لواط فساد حق زنان و فساد نسل است و ضایع شدن نطفه و به این سبب استمناء را حرام کرده اند و وطی در ذُبُر زن را حرام کرده اند و وطی بهیمه را حرام کرده اند و مساحقه زنان را حرام کرده اند که اگر مرد به مرد اکتفاء کند و زن به زن امر نسل و تناسل از میان می رود». از بررسی این احکام فقهی می توان نتیجه مورد نظر در فوق را استنباط نمود که از لحاظ اکوسیستم حیات هر موجودی منبع حق برای دیگری است و لذا نمی تواند خودخواهانه حقوق دیگران را ضایع نماید.

این موضوع به کشتزارها و دامها نیز تعمیم می یابد. لذا حفظ محیط زیست یکی از سرفصل های سیاست خارجی اسلام تلقی می شود. در سوره بقره می فرماید: «چون از نزد تو باز گردد در زمین فساد کند و کشتزارها و دامها را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد.»^{۱۹۲} یعنی از بین بردن کشتزارها و دامها فساد محسوب می شود و خداوند این اعمال را دوست ندارد. تخریب کشتزارها و از بین بردن دامها چه مستقیم و چه از طریق تخریب اکوسیستم و عناصر محیط زیست یعنی با آلوده سازی محیط و ایجاد عدم تعادل در اکوسیستم در هر حالت فساد تلقی می گردد. در آیه فوق تعلق کشتزارها یا دامها به مسلمین یا مؤمنین تخصیص نیافته و با استفاده از کلمه زمین، کل آنها را در جهان مد نظر قرار می دهد. این نگرش، احکام بسیاری را فراروی دولت اسلام قرار می دهد مبنی بر اینکه حق فساد در سیاره زمین ندارد.

فساد در زمین از لحاظ آیه شریفه فوق شامل مجموعه ای از فعالیت هایی می شود که موجب تخریب محیط زیست، اعم از گیاه، حیوان و انسان می گردند. تعمیم این موضوع به انسان مسائل دیگری را نیز شامل می شود که به ذکر آن

^{۱۹۱} - حضرت حاج ملا علی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ چهارم، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران، صص ۷۶-۷۵.

^{۱۹۲} - سوره بقره، آیه ۲۰۵، وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. در آیه ۷۷ سوره قصص می فرماید: در زمین از بی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. وَ لَا تَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. همچنین در آیه ۶۴ سوره مائده.

خواهیم پرداخت. فعالیت‌هایی که سبب فساد در زمین می‌گردند از جمله تولید و تجارت مواد مضر و سموم شیمیایی به منظور از بین بردن انسانها و تخریب مزارع و دامها برای ضربه زدن به دیگران، تسلیحات برای حمله و سلاحهای کشتار جمعی، دفن زباله‌های هسته‌ای در کشورهای ضعیف و تبانی با مأموران و رهبران آنها، تولید، مصرف، صادرات و واردات هر نوع ماده اولیه یا واسطه‌ای مصرفی که باعث فساد در نبات و دام و انسان گردد و مضر به سلامتی آنها باشد و سایر موارد مشابه همگی در این مبحث قرار می‌گیرند.

همچنین در قرآن فساد به پادشاهان نسبت داده شده است. می‌فرماید: «وقتی پادشاهان وارد شهری می‌شوند فساد می‌کنند.»^{۱۹۳} و می‌فرماید: «اگر به حکومت رسیدید در زمین فساد کنید.»^{۱۹۴} و باز می‌فرماید: «چون به آنها می‌گوئیم در زمین فساد نکنید می‌گویند ما مصلحانیم بدانید آنها خود مفسدند و نمی‌دانند.»^{۱۹۵} و در آیه دیگر می‌فرماید: «و آنان که پیمان خدا را پس از بستن می‌شکنند و آنچه را که خدا به بستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند لعنت بر آنهاست و بدیهای آن جهان نصیثان.»^{۱۹۶}

در آیات متعددی تخلفات زیاد دیگری در زمره فساد قرار می‌گیرد. برای مثال بر اساس آیه: «فرشتگان گفتند آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد.»^{۱۹۷} خونریزی از جمله موارد فساد است. در آیه دیگر می‌فرماید: «گفتند به خدا سوگند که شما خود می‌دانید که ما برای فساد کردن در این سرزمین نیامدیم و سارق نبودیم»^{۱۹۸} یعنی سرقت از موارد فساد است. و در آیه دیگر درباره عصیان می‌فرماید: «تو پیش از این عصیان می‌کردی و از مفسدین بودی»^{۱۹۹} یعنی عصیان از اوامر الهی از زمره موارد فساد است. کم فروشی نیز از موارد فساد است که می‌فرماید: «ای قوم من، پیمان و ترازو را از روی عدل کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون مفسدین در زمین نباشید.»^{۲۰۰} ظلم و قتل و تجاوز نیز از موارد فساد است و می‌فرماید: «همانا فرعون در آن سرزمین برتری جست و مردمش را فرقه فرقه ساخت طایفه‌ای را زیون می‌داشت و پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت که او از مفسدین بود.»^{۲۰۱} در اسلام تولید و خرید و فروش شراب و مسکرات به قصد نهایی سکر ممنوع است زیرا شراب قوه عاقله را برای مدتی از کار می‌اندازد و معنی آن این است که فضیلت انسان که شعور در ادراکات خود است را برای مدتی تضعیف یا تعطیل می‌نماید. و بر این اساس شارع مقدس آن را منع فرمود. این منع به طریق اولی انواع گوناگون مواد مخدر که در

۱۹۳ - سوره نمل، آیه ۳۴، إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا.

۱۹۴ - سوره محمد، آیه ۲۲: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ.

۱۹۵ - سوره بقره، آیه ۱۲ - ۱۱، وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ.

۱۹۶ - سوره رعد، آیه ۲۵: وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.

۱۹۷ - سوره بقره، آیه ۳۰: قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ.

۱۹۸ - سوره يوسف، آیه ۷۳: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كُنَّا سَارِقِينَ.

۱۹۹ - سوره يونس، آیه ۹۱، وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.

۲۰۰ - سوره هود، آیه ۸۵، يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ وَ هَمَّجِينَ آيَةَ ۱۸۳ سوره شوری.

۲۰۱ - سوره قصص، آیه ۴، إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.

جهان امروز شایع و رایج است را در برمی گیرد. تجارت مواد مخدر و بزرگترین تجارت غیرقانونی در جهان را تشکیل می دهد بطوری که در آمد خرید و فروش این مواد در برخی از سالها از در آمد فروش نفت در جهان پیشی گرفته است. دولت اسلام جوازی برای اقدام به خرید و فروش مواد مخدر یا حتی همکاری در توزیع این مواد ندارد. قرآن کریم می فرماید: «در نیکی و تقوی همکاری کنید و در گناه (یا اثم) و تجاوز همکاری نکنید.»^{۲۰۲} واژه اثم در آیه تحریم شراب هم آمده است و در آنجا از آن به «اثم کبیر» یا گناه بزرگ نام برده می شود. یعنی هرگونه تعاون و معاونتی در این «اثم کبیر» یعنی خرید و فروش مسکرات که به طریق اولی مواد مخدر را شامل می شود ممنوع است. در قرآن کریم می فرماید: «از تو از شراب و قمار می پرسند، بگو در این دو گناه بزرگی (اثم کبیر) است و گناه (اثم) آنها بزرگتر از نفع آنهاست.»^{۲۰۳} تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادیه برای اولین بار استعمال مواد مخدر و افیون را در شرح ذیل این آیه حرام اعلام می کند.^{۲۰۴}

مفاد این اصل بر اساس شرح فوق به کلیه اثم ها حتی مسائل اخلاقی نیز قابل تسری و تعمیم است که از ذکر بیشتر در مورد آن خودداری می نمائیم ولی فقط باید گفت که یکی از معضلات جهان کنونی تجارت های غیر اخلاقی است که حجم عظیمی از کل تجارت جهان را به خود اختصاص داده که بنابر تعبیرات فوق از موارد افساد در زمین تلقی می شوند و برای دولت اسلام قابل انجام نیستند و سیاست خارجی دولت اسلام این اصول را از مبانی ایدئولوژیک خود اخذ نموده و ملزم به رعایت آنان است.

۷۰- اصل عدم جواز به از بین بردن مواد غذایی در جهت کسب منافع مادی

همانطور که ذکر شد مباحث فساد در زمین به این موضوع اشاره دارد که اصولاً از بین بردن کشتزارها و دامها و نسل انسان ممنوع است و حفظ محیط زیست از موارد پر اهمیت سیاست خارجی و داخلی اسلام می باشد. تعمیم این موضوع به این مبحث کشیده می شود که دولت اسلام حق ندارد برای افزایش قیمت مواد غذایی بخشی از آن را از بین ببرد. در برخی سالها مشاهده شد برخی از کشورها نظیر آمریکا برای جلوگیری از افت قیمت گندم قسمتی از محصول گندم خود را با کشتی به دریا حمل و در اقیانوس تخلیه می کردند. در صورتی که در آفریقا بسیاری از گرسنگی تلف می شدند. حتی ایجاد ممنوعیت در تولید و کشت غلات برای جلوگیری از افت قیمت ناشی از عرضه زیاد محصول، از لحاظ اسلام شبهات زیادی دارد؛ و لا اقل می توان در مورد ارزاق عموم مردم جهان این نتیجه را ابراز نمود که اسلام جواز محدود کردن تولید ارزاق را تا تأمین نیاز غذایی کلیه افراد روی سیاره زمین نمی دهد. و با توجه به این آیه که می فرماید: «چون از نزد تو بازگردد در زمین فساد کند و کشتزارها و دامها را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد»^{۲۰۵} حتی فسادی که در زمین باعث کسری بازده تولید کشتزارها و دامها شود نیز ممنوع است. در تاریخ قرن اخیر به شکل ترفندهای پیشرفته و در قرون قبل به اشکال سنتی ملاحظه شده است که بسیاری از دول با پخش و صدور مخفیانه انگل ها

^{۲۰۲} - سورة مائده آیه ۲، وَ تَعَاوَنُوا عَلٰی الْبِرِّ وَ التَّقْوٰی وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلٰی الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ.

^{۲۰۳} - سورة بقره، آیه ۲۱۹، یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِیْهِمَا اِثْمٌ کَبِیْرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ اِثْمُهُمَا اَکْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا.

^{۲۰۴} - بیان السعاده فی مقامات العبادیه. جلد دوم ترجمه، صص ۴۶۰ - ۴۵۰.

^{۲۰۵} - سورة بقره، آیه ۲۰۵، وَ اِذَا تَوَلَّی سَعٰی فِی الْاَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیْهَا وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّٰهُ لَا یُحِبُّ الْفُسَادَ. در آیه ۷۷ سورة قصص: در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. وَ لَا تَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِی الْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِیْنَ. همچنین: آیه ۶۴ سورة مائده.

و آفات نباتی و دامی، اقدام به ضربه زدن به محصولات و تولیدات زراعی و دامی کشورهای دیگر می‌کردند. برای مثال عامل شیوع کرم ساقه خوار برنج، کرم ساقه خوار درختان میوه، کرم سیب‌زمینی و صیفی‌جات و زنگ گندم و انواع قارچ‌ها و شته‌ها یا باکتری‌هایی که دام‌ها و طیور را بیمار می‌نمایند توسط برخی از کشورها در کشورهای دیگر مخفیانه توزیع شد و جمله این موارد به انحاء مختلف در حیطه این مبحث قرار می‌گیرند.^{۲۰۶}

اسلام کلیه این اقدامات را در سطح بین‌المللی ممنوع می‌شمارد. در اموال دولت اسلام سهمی برای نیازمندان مشخص شده که این نیازمندان در اشل دولت اسلام شامل محرومین کشورهای دیگر می‌شود. در قرآن کریم می‌فرماید: «در اموال ایشان سهمی برای بینوایان و نیازمندان معلوم است.»^{۲۰۷} و این سهم که در اموال مؤمنین معلوم است به طریق اولی در بیت‌المال اسلام نیز معلوم است و بینوا و نیازمند هر که و هر کجا باشد بینوا و نیازمند است و مستوجب نوازش. در سوره اسراء خداوند دربارهٔ تذبذیر می‌فرماید: «حقّ خویشاوند و مسکین و راه‌مانده را اداکن و هیچ اسراف مکن. اسراف کاران با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود.»^{۲۰۸}

با این تفصیل تذبذیر به یک معنا می‌تواند مستند این اصل در روابط بین‌الملل و در مواجهه با ملل ضعیف عالم باشد. یعنی نمی‌توان حقّ ضعف و ناتوانان از ملل دیگر را نادیده گرفت و هرطور که منافع ملی اقتضاء کرد به کسب منافع پرداخت و حقّی که خداوند برای سائل و محروم در اموال ملت اسلام معلوم کرده را به ملل محروم اعطاء نمود.

۷۱- اصل ممنوعیت احتکار بین‌المللی ارزاق و الزام خوراک‌رسانی به گرسنگان جهان

گرسنگی یکی از پدیده‌های بارز قرون اخیر در سطح بین‌المللی است و در جهان میزان تلفات ناشی از گرسنگی از تلفات ناشی از حوادث بسیار بیشتر است. احتکار ارزاق عمومی و یا شیوه‌های متداول در جلوگیری از کاهش قیمت ارزاق مثلاً با روش‌هایی چون از بین بردن محصول یا با کاستن از سطح زیر کشت جهت کاهش عرضه و نتیجتاً افزایش قیمت در اسلام جایز نیست و در صورتی که مردم گرسنه باشند حاکم شرع مجاز است که فرمان دهد انبارها را باز کنند و قوت مردم را به آنها دهند. با توجه به چنین موضوعی به طریق اولی خود دولت اسلام حق ندارد آذوقه و ارزاق عموم مردم چه داخلی و چه خارجی را احتکار نماید و آنها از قحطی و گرسنگی تلف شوند.

در باب این موضوع در قرآن کریم در سوره یوسف می‌خوانیم که یوسف ع «دستور فرمود تا هفت سال پی در پی بکارید و هرچه می‌دروید جز اندکی که می‌خورید با خوشه انبار کنید از آن پس هفت سال سخت می‌آید و در آن هفت سال آنچه برایشان اندوخته‌اید بخورند مگر اندکی که نگه می‌دارید.»^{۲۰۹} ... و چون «برادران یوسف آمدند و بر او داخل

^{۲۰۶} - شاهدان عینی به تواتر ابراز می‌دارند که در اواخر دههٔ ۱۹۴۰ میلادی در دوران پس از جنگ دوم جهانی هواپیماهای آمریکایی برفراز شالیزارهای گیلان و مازندران پرواز می‌کردند و بسته‌های کوچکی را میان شالیزارهای برنج می‌ریختند که این بسته‌ها کیسه‌هایی توری و محتوی کرم ساقه‌خوار برنج بود.

^{۲۰۷} - سوره ذاریات، آیه ۱۹، وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ. در سوره معارج آیات ۲۵ - ۲۴ می‌فرماید: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ.

^{۲۰۸} - سوره اسراء، آیات ۲۷-۲۶، وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا. إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.

^{۲۰۹} - سوره یوسف آیات ۴۸ - ۴۷، قَالَ تَزْرَعُونَ سَعَةً سِنِينَ ذَاتًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ. ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَعِيدٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ.

شدند آنها را شناخت و آنها نشناختندش چون بارهایشان را مهیا ساخت، گفت برادر پدریتان را نیز نزد من بیاورید آیا نمی‌بینید که پیمانۀ را کامل ادا می‌کنم و بهترین میزبانم.^{۲۱۰} ... «و به مردان خود گفت: سرمایه‌شان را در بارهایشان بنهید، باشد که چون نزد کسانشان باز گردند و آن را بیابند شاید باز آیند.»^{۲۱۱} این آیات دلالت بر این دارد که حضرت یوسف رزق کسانی را که بیشترین ظلم را به او کرده بودند و متعلق به سرزمین دیگری بودند در زمان قحطی به پیمانۀ کامل داد. در آن زمان یوسف عزیز مصر بود و واردشدگان از سرزمین دیگری یعنی کنعان به مصر آمده بودند. به عبارت دیگر یوسف ع بر خود فرض می‌دانست که رزق آنها را بدهد و این رزق را بر اساس هر فرد پرداخت فرمود یعنی برای رفع نیاز ارزاق آنها، چون در آیات بعد که برادران درخواست می‌کنند تا بنیامین را نیز همراه خود ببرند دلیل می‌آورند که «برای کسان خود غله بیاوریم و برادرمان را حفظ کنیم و بار شتری افزون بگیریم که آنچه داریم اندک است.»^{۲۱۲} از این آیات معلوم می‌شود که حضرت یوسف بزاء فرد رزق تقسیم می‌نمود و جمله آخر که «آنچه داریم اندک است» معلوم است که سهم هر فرد فقط کفاف حداقل معیشت کسان و اهل خودش را می‌کرده و چون برادران یوسف بنیامین را نبرده بودند ابراز می‌کنند که غله دریافتی اندک و کمتر از معیشت همگی آنهاست. از طرف دیگر می‌فرماید: «چون بار خود گشودند دیدند که سرمایه‌شان را پس داده‌ند»^{۲۱۳} یعنی هزینه دریافت غله به آنها بازگردانده شده بود. از مجموع این آیات می‌شود استنباط نمود که چنانچه مردم در هر جای جهان دچار تنگی رزق باشند وظیفۀ دولت اسلام است که بدون توجه به ملیت و دین و مذهب به قدر معیشت آنان و بدون دریافت پول یا عوض اقدام به اعطای خوراک به آنان نماید. می‌فرماید: «آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل امر می‌کنند و مالی را که خداوند به فضل خویش به آنها داده است پنهان می‌کنند (بدانند که) ما برای کافران غذایی خوارکننده مهیا ساخته‌ایم.»^{۲۱۴} در سوره آل عمران می‌فرماید: «آنان که در نعمتی که خدا به آنها عطا کرده است بخل می‌ورزند مپندارند که در بخل ورزیدن برای انسان خیری وجود دارد، بلکه برای آنها شر وجود دارد، در روز قیامت آنچه را که در بخشیدنش بخل می‌ورزیدند چون طوقی به گردنشان خواهند آویخت و از آن خداست میراث آسمانها و زمین.»^{۲۱۵} و می‌فرماید: «آگاه باشید که هرگاه شما را دعوت کنند تا در راه خدا انفاق کنید، بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هرکس که بخل ورزد در حق خود بخل ورزیده است زیرا خدا غنی و شما درویشید و اگر روی برتابید، به جای شما مردمی دیگر آرد که مثل شما نباشند.»^{۲۱۶} و در سوره تغابن

۲۱۰ - سوره یوسف آیات ۵۹ - ۵۸، وَ جَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ. وَ لَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَّا تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَ أَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ.

۲۱۱ - سوره یوسف آیه ۶۲، وَ قَالَ لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.

۲۱۲ - سوره یوسف آیه ۶۵، وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفَظُ أَخَانَا وَ نَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ.

۲۱۳ - سوره یوسف آیه ۶۵، وَ لَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَ جَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ.

۲۱۴ - سوره نساء آیه ۳۷، الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. سوره حدید آیه ۲۴: آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل امر می‌کنند و آن که روی گردان شود (بدانند) که خدا بی‌نیاز و ستودنی است. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَقُولُ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

۲۱۵ - سوره آل عمران، آیه ۱۸۰، وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

۲۱۶ - سوره محمد، آیه ۳۸، هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَ مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ.

می‌فرماید: «پس تا آنچه می‌توانید از خدا بترسید و گوش فرا دارید و اطاعت کنید و به سود خود از مالتان انفاق کنید و آنان که از یوق بخل نفس خویش در امان مانده‌اند رستگارانند.»^{۲۱۷}

آیات فوق همگی تأکید دارند که هرکس بخل نوزد و انفاق نماید به نفع خویش عمل کرده است. از لحاظ اقتصادی بر خلاف نظریه‌های عامیانه و از لحاظ نظریات تخصصی اقتصاد خرد و تجارت بین‌الملل می‌توان با توسل به ریاضیات ثابت نمود که نفع انسانها در تعالی جملگی بشریت است.

به هر حال بخل از جمله خصوصیات انسان است و استثناء این موضوع را قرآن به نمازگزارانی که در نماز دائم‌اند یعنی پیوسته به یاد خدا مشغولند منتسب می‌فرماید. در سوره معارج می‌فرماید: «و آنکه جمع کرد و اندوخت، هرآینه انسان را حریص و ناشکیبا آفریده‌اند چون شری بدو رسد بیقارای کند و چون مالی به دستش افتد بخل می‌ورزد مگر نمازگزاران، آنان که در نماز دائم‌اند و آنان که در اموالشان حقی است معین برای سائل و محروم.»^{۲۱۸}

مواردی که در مورد انفاق فردی و بخل ذکر شد علیرغم اینکه فردی است از لحاظ حکومتی نیز در اعمال نسبت به اقوام یا کشورهای دیگر صادق است. می‌فرماید: «آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راه‌ماندگان، تا میان توانگران دست به دست نشود. هرچه پیامبر به شما داد بستانید و از هرچه شما را منع کرد اجتناب کنید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است. نیز غنایم از آن مهاجران فقیری است که از سرزمینشان رانده شده‌اند و آنها در طلب فضل و خشنودی خدایتند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند، اینان راستگویند و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود بوده‌اند و ایمان آورده‌اند، آنها را که به سویشان مهاجرت کرده‌اند دوست می‌دارند و از آنچه مهاجران را داده می‌شود در دل احساس حسد نمی‌کنند و دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هرچند خود نیازمند باشند و آنان که از یوق شح خویش در امان مانده باشند رستگارانند.»^{۲۱۹} البته در بخشش امر به اعتدال شده است که می‌فرماید: «نه دست خویش به گردنت ببند و نه کاملاً باز نما که ملامت و حسرت خوری.»^{۲۲۰} و به رسول اکرم ص می‌فرماید: «و آنان که چون انفاق کنند اسراف نمی‌کنند و خسست نمی‌ورزند بلکه میان این دو قرار می‌گیرند.»^{۲۲۱}

^{۲۱۷} - سوره تباين، آیه ۱۶، فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ اطِيعُوا وَ اتَّقُوا خَيْرًا لَّأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

^{۲۱۸} - سوره معارج، آیات ۲۵ - ۱۸، وَ جَمَعَ فَأَوْعَى إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ. در سوره لیل آیات ۱۱ - ۴ «همانا حاصل کوششهای شما متفاوت است، اما کسی بخشایش و پرهیزگاری کرد و آن بهترین را تصدیق کرد پس برایش آسان می‌کنیم. اما آن کس که بخل و بی‌نیازی می‌ورزید و آن بهترین را تکذیب کرد بر او سخت می‌گیریم و چون هلاکش در رسد دارایی‌اش سود نبخشد همانا برماست که راهنمایی کنیم.» إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى فَاَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى.

^{۲۱۹} - سوره حشر، آیات ۹-۷، مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِدِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يُبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. وَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجِزُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

^{۲۲۰} - سوره اسراء، آیه ۲۹، وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْ كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا.

^{۲۲۱} - سوره فرقان، آیه ۶۹، وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

منابع و ماخذ

- حضرت حاج دكتر نورعلی تابنده، برده‌داری در اسلام، عرفان ایران، گردآوری و تدوین دكتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۱۹ انتشارات حقیقت، ۱۳۸۳، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج دكتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، صلح ادیان، متن پیام افتتاحیه به کنفرانس صلح ادیان، بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی (Foundation for Religious Harmony and Universal Peace)، ۳۱-۲۹ فروردین ۱۳۸۴، (۲۰-۱۸ آپریل ۲۰۰۵)، هندوستان، دهلی نو. عرفان ایران، مجموعه مقالات، گردآوری و تدوین دكتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۲۲، انتشارات حقیقت، صص ۹-۵، ۱۳۸۴، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج دكتر نورعلی تابنده، ایران فرهنگی، ایران سیاسی، عرفان ایران، گردآوری و تدوین دكتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۳، صص ۱۴-۸، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانحسین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، انتشارات صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا علی بیدختی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ چهارم، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران. <http://www.sufism.ir>
- ارسنجانی، حسن، حاکمیت دولتها، چاپ جیبی، ۱۳۴۲، تهران.
- سید روح الله موسوی خمینی، تعلیم و تعلم از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی، سید احمد فهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷، تهران.
- خدوری مجید، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات اقبال، ۱۳۳۵، تهران.
- سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، جلد دوم، انتشارات توحید، ۱۳۶۲، قم.
- سریع القلم محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، نشر سفید، چاپ دوم، ۱۳۷۱، تهران.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵، تهران.
- علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان.
- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. سازمان سمت، ۱۳۸۱، تهران.
- گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام (حقوقی و جزایی)، نشر میزان، ۱۳۸۰، تهران.
- مدنب، جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط بین‌الملل، ۱۳۷۴، تهران.
- منتسکیو، روح القوانین ترجمه علی اکبر مشهدی، تهران.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸، تهران.
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، بیان السعادة في مقامات العباد، نشر الثاني، في اربعة مجلدات رقي بلغة العربية، ۱۳۴۴ هجري شمسي، دانشگاه تهران. <http://www.sufism.ir>
- امین‌الاسلام طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، انتشارات دارالکتب الإسلامية قم.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزيع، بیروت، لبنان.
- شرح الامثلة، جامع المقدمات، تصحیح محمد محمدی قاینی انتشارات دارالفکر، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- شیخ حر آملي، وسائل الشیعة، جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.
- ثقة الاسلام کلینی، الکافی، جامع الاحادیث، نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.

- الماوردي، علي بن محمد، الاحكام السلطانيه و الولايات الدينيه، مكتبه دار ابن قتيبه، الكويت، الطبعة الاولى، ١٤٠٩. چاپ ديگر در قم، دفتر تبليغات اسلامي.
- محمدباقر مجلسي، بحار الأنوار، جامع الاحاديث نور ٢، مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي، لوح فشرده CD.
- محدث نوري، مستدرک الوسائل، جامع الاحاديث نور ٢، مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي، لوح فشرده CD.
- Charles de Montesquieu (1752), *The spirits of Laws*, Translated by Thomas Nugent, revised by J. V. Prichard. Based on edition published in 1914 by G. Bell & Sons, Ltd., London. Translated to Farsi by Ali-Akbar Mashadi, pp. 670-1 (1945).